

نشریه الکترونیکی

پنجمه کوشش

ویژه نامه شماره یک

مقالات برگزیده دوازدهمین جشنواره علامه حلی (ره)

فروردین 1400

تأثیر معلم بر افکار معنوی و اخلاقی فراگیر

زنان و انواع آسیب اینترنتی با تأکید بر منابع اسلامی

بررسی مقایسه ای مصادیق زن در جاهلیت اولی و جاهلیت مدرن

راهکارهای درمان لجبازی کودکان

مدیریت حوزه علمیه خواجهان استان مرکزی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



نشریه الکترونیکی چشمه کوثر

صاحب امتیاز

شورای علمی پژوهشی
مدیریت حوزه علمیه
خواهران استان
مرکزی

سر دبیر

ملیحه وکیلی

مدیر مسئول

فاضل حسامی

مدیر داخلی (دبیر تحریریه)

منصوره غلامی

هیئت تحریریه

منصوره حاج محمدحسینی،
صدیقه خرمی، طیبه رضایی،
مریم صالحی، منصوره غلامی،
زهرا کرمی فراهانی، فاطمه
سادات موسوی، سودابه

نعمتی



مرکز مدیریت حوزه علمی خواهران

مدیریت حوزه علمیه خواهران استان مرکزی

فهرست مطالب

- ❖ تأثیر معلم بر افکار معنوی و اخلاقی فراگیر
- ❖ زنان و انواع آسیب اینترنتی با تأکید بر منابع اسلامی
- ❖ بررسی مقایسه ای مصادیق زن در جاهلیت اولی و جاهلیت مدرن
- ❖ راهکارهای درمان لجبازی کودکان

در نشریه الکترونیکی چشمه کوثر مقالات پایانی طلاب سطح 2 و آثار برگزیده جشنواره های مدارس علمیه خواهران استان مرکزی منتشر می شود.

نشریه در ویرایش مقالات آزاد است.

دو شماره اول به صورت ویژه نامه به مقالات برگزیده دوازدهمین جشنواره علامه حلی (ره) اختصاص دارد.

شما می توانید نشریه را از سایت markazi.whc.ir مطالعه فرمایید.

مقاله اول

تأثیر معلم بر افکار معنوی و اخلاقی فراگیر

زهرا قلعه ئی

مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (سلام علیها)

ارای

چکیده

از مهم‌ترین توصیه‌های اسلام برای انسان‌ها تعلیم و تربیت به شیوه صحیح است، تعلیم و تربیتی صحیح، که نهایتش سعادت دنیا و آخرت انسان است. انسان به جهت الگوپذیری ذاتی همواره نیازمند تعلیم و تربیت به خصوص تربیت دینی است. تربیت دینی توسط والدین در خانواده و معلم در مکان آموزشی نیازمند دقت و ظرافت خاصی است. در این زمینه تحقیقات و مقالات بسیاری نگارش شده است. ولی این مساله پژوهشی با توجه به اهمیت آن در سلامت روان انسان در مقاطع سنی مختلف همچنان مورد توجه بوده است. در این نوشتار که به روش توصیفی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است، پس از مفهوم‌شناسی به بیان ارتباط بین معلم و شاگرد در اخلاق و معنویات، به نقش معلم در اخلاقیات پرداخته، معلم با بهره‌گیری از مجموعه عقاید و شناخت معارف علمی و دینی، زمینه رشد و شکوفایی استعدادهای فراگیران را فراهم می‌کند و به سوی هدف‌های مطلوب زندگی مادی و معنوی رهنمون می‌نماید. تربیت دینی فراگیران تنها بر عهده معلم آموزشی نیست، بلکه این وظیفه خطیر و آینده‌ساز بر عهده والدین و مسئولانی که امور فرهنگی و سیاسی و اجتماعی جامعه را بر عهده دارند، نیز مربوط می‌شود.

کلید واژه: معلم، تربیت، افکار معنوی، اخلاق، والدین.

اصطلاح معلم تنها در مدرسه و دانشگاه نیست هدف اینجا اخلاق و معنویاتی است که توسط معلم زندگی بر فراگیرش تعلیم داده می‌شود. معلم همچون کیمیاگر می‌ماند، می‌تواند خاک را به طلا کیمیا کند و چنانچه آموزه‌های معلم صحیح نباشد نتیجه عکس دارد.

تحقق اخلاق نیکو و زندگی سالم در گرو تربیت صحیح افکار فراگیران می‌باشد. محقق با استفاده از کتاب‌های دیجیتال و کتابخانه‌ای در جمع آوری این مطالب کوشش نموده است، امید است معلمان عزیز این شغل انبیاء را گرامی بدارند و دقت لازم در تربیت فرزندان و دانش پژوهان را داشته باشند تا بتوانیم جامعه‌ای دینی و سالم داشته باشیم. و مانند زمان پهلوی نباشد که انسانهایی غربزده و شرقزده تحویل جامعه دهیم.

از مسائلی که در جوامع عمومی باید مورد توجه قرار گیرد مساله تعلیم و تربیت است. استفاده از روش‌های صحیح در امر تعلیم و تربیت موجب تعالی روح و وحدت شخصیت می‌گردد.

ضرورت تعلیم و تربیت از آن جهت است که فقط بر زندگی شخص تأثیر ندارد و این تأثیر توسط فرد بر محیط نیز هست، درجات این تأثیرگذاری تعمیم آن از خانواده به جامعه می‌باشد، پس باید دقت نمود که در مسائل تربیتی از نظریات صحیح برگرفته از قرآن و سنت مدد جست، با توجه به اینکه کشور ما، یک کشور اسلامی است و 99 درصد جمعیت آن مسلمان است، معارف دینی نسل جدید یکی از بایسته‌های وزارت معارف به عنوان نهاد رسمی متکفل امر تعلیم و تربیت در کشور به شمار می‌رود.

از دیدگاه اسلام تربیتی صحیح است که همه جانبه و جامع باشد تربیت در اسلام به گونه‌ای می‌باشد که همه ابعاد روحی و جسمی فراگیر را دربرمی‌گیرد و برای برنامه‌های زندگی اصول و قوانینی ساده‌ای دارد، قوانینی که بعضی بر آن خرده می‌گیرند و می‌گویند سخت است. اسلام عالی‌ترین مکتب تربیتی است که همه این قوانین را یکجا به انسان هدیه می‌کند و این ما هستیم که با اختیار و خلاقیت خود راه را پیش می‌گیریم.

در این پژوهش سعی نگارنده بر این است که با نگاه جامع-تری نسبت به مسئله تعلیم و تربیت، بُعد معنوی و اخلاقی آن را مورد بررسی قرار دهد تا با استفاده از روش‌های مطرح شده به سوی راهی صحیح گام برداریم. چرا که می‌خواهیم زندگی‌هایمان سرشار از صمیمیت و خونگرمی باشد ارتباطمان با دیگران نشأت گرفته از فرهنگ قرآنی باشد. استحکام این ارتباط برگرفته از حقوق متقابل است؛ حقوقی که معلم در مدرسه و معلم در خانه آن را تبیین می‌کند.

1- معنا شناسی واژگان تحقیق

تمرین به وجود می‌آید دانست، به طور کلی، یادگیری و فراگیری هر چیز (رفتاری، آموزشی، دینی) فعالیت دگرگون-ساز است که افراد را برای مقابله با محیط آماده می‌سازد. فراگیری و یادگیری در حقیقت دارای معانی بسیار گسترده‌ای است که در قالب‌های دگرگونی، عادت شکنی، ایجاد علاقه، درک ارزش و پیش‌داوری نمایان می‌شود. تفکر، احساسات، دگرگونی‌های شخصیتی همه از یادگیری سرچشمه می‌گیرند. مهم‌ترین واژه‌ای که در اینجا مطرح است واژه «تغییر» است. زیرا رفتار فرد در زمانی که چیزی را فراگرفته با زمانی که چیزی نیاموخته بسیار متفاوت است.

برخی نیز آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: "فراگیری دگرگونی‌های نسبتاً پایدار در توانایی، گرایش یا ظرفیت پاسخ‌دهی عنوان کرده‌اند." و تاکید بر این است که فراگیری پیش از تغییر رفتار پدید می‌آید.⁴

3-1 اخلاق

اخلاق در لغت به معنا عادت، خوی، سبیه و هیئت راسخه‌ای در نفس است.⁵ هیئت راسخه هیئتی است که افعال انسان به آسانی و بدون احتیاج به فکر و اندیشیدن از آن صادر می‌شود.⁶

این واژه جمع کلمه خُلُق است معنای اصطلاحی آن رفتاری است که از اعمال انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد، چنانچه اعمال انجام شده نیکو باشد فرد صفت حُسن خلق

ورود به هر بحثی نیازمند به تعریف و توضیح مبادی تصویری و واژگان تحقیق است. از رهگذر بیان مفاهیم واژگان تحقیق است که ضرورت و بایستگی مساله هموار می‌گردد؛ از این رو به مفاهیم «معلم»، «فراگیر»، «اخلاق»، «تربیت» پرداخته می‌شود:

1-1 معلم

واژه معلم از واژه‌ی علم گرفته شده است و اسم فاعل از کلمه علم می‌باشد معلم در لغت یعنی تعلیم کننده، مدرس، کسی که چیزی را به کسی دیگر یاد می‌دهد.¹ "معلم در اصطلاح فردی است که مهم‌ترین عامل ایجاد شرایط یادگیری می‌باشد و یکی از عناصر مهم آموزشی است، معلم از طریق ایجاد حلقه‌های عاطفی با شاگرد و درک درست تفاوت‌های فردی و استعداد‌های آنان می‌تواند شاگرد را به سوی یک هدف معین هدایت نماید، معلمی نه تنها شغل و پیشه نیست، بلکه شوق، علاقه و عشقی است که پیام آوران و رسولان الهی نیز این منصب را دارا بوده‌اند و حتی پروردگار مهربان نیز مربی و معلم اولی بشریت بوده است."²

2-1 فراگیر

فراگیر در لغت به معنای گرفتن چیزی یا احاطه بر آن،³ و در اصطلاح آموزش مترادف با کلمه یادگیری می‌باشد؛ یادگیری را می‌توان تغییری که در رفتار در نتیجه

1. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج 29، ص: 1940.

2. زهرا امیری، سایت سایبان.

3. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج 24، ص: 127.

4. محمد پارسا، روانشناسی یادگیری، ص 24-21.

5. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج 1، ص: 635.

6. سید محمد جواد ذهنی تهرانی، گنجینه ذهنی شرح اصطلاحات

علوم رایج و غیر رایج، ص: 12.

را می‌گیرد و در صورتیکه اعمال و رفتار فرد قبیح باشد به این فرد صفت خلق قبیح را می‌دهیم، و در نهایت سیرت و طبیعت انسانی است.¹

برخی گفته‌اند: خلق و خوی انسان طبیعی و غیر قابل تغییر است و معتقدند که پاکیزه نمودن اخلاق امر به چیزی است که انسان بر آن توانایی ندارد. برای همین پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: "کسی که به او روی نیکو و اخلاق پسندیده داده شده باید خدا را شکر کند و سپاسگزار او باشد." البته در اینجا منظور اخلاق ذاتی افراد است.² نه خلق و خویی که تحت تاثیر محیط به دست آمده باشد.

4-1 تربیت

تربیت به معنای عام آن هر چند شامل همه جانداران می‌شود، اما آنچه هم‌اکنون به عنوان تعلیم و تربیت بین اندیشمندان جهان مورد بحث است، تنها شامل انسان می‌باشد. مربی در جریان تربیت باید هدفی را در نظر گرفته و مربی را به سوی آن سوق دهد، چه اینکه تربیت به معنای خاص آن، عملی ارادی و غیر تصادفی بوده که بدون تعیین هدف تحقق نخواهد یافت. تعلیم در لغت به معنای آموختن و یاد دادن و عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای اینکه فراگیر دانشی را یاد بگیرد. تعلیم واقعی سبب پرورش هر چه بهتر قوای فکری و عقلی دانش‌آموز شده، و قدرت ابتکار و تجزیه و تحلیل را در او زنده می‌کند. تعریف جامع تربیت، عبارت است از: فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای فراگیر در جهت مطلوب است.³ بنابراین تربیت

دارای اهداف گسترده‌ای است زیرا به تمامی جنبه‌های جسمی و روحی انسان توجه دارد، و استعدادهای گوناگون انسان را بارور می‌سازد.

2- جایگاه معلم

قبل از اینکه به موضوع اصلی خود (معلمین زندگی و تاثیرات ایشان) بپردازیم توضیح مختصری درباره جایگاه معلم در قرآن و نهج البلاغه خواهیم داد؛ چرا که قرآن و نهج البلاغه با بیانی روشن و رسا مسائل روز را برای ما بیان می‌نماید.

1-2 معلم در قرآن

قرآن کریم در آیه 151 سوره بقره می‌فرماید: «وَيَعْلَمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» به مقام تعلیم و معلم بودن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای امت، می‌فرماید: «به شما می‌آموزد، آنچه را که نمی‌دانستید.» و انسان برای شناخت بسیاری از حقایق نیازمند وحی است، این آیه یادآور می‌شود که اگر انبیاء نبودند، انسان برای آگاهی از امور خود و جهان راه به جایی نداشت.⁴

طبق بیان قرآن کار معلم کار خداست، نقش معلم، نقش انبیاء و نقش کتاب‌های آسمانی است. یک معلم می‌تواند افراد شایسته تحویل جامعه بدهد افراد طالح را صالح کند معلم توانایی خنثی کردن قوانین طبیعی مانند وراثت را دارد. فردی که در محیط آلوده زندگی می‌کند نیاز به همیاری دارد که معلم کاردان می‌تواند با آموزه‌های صحیح فرد را از این محیط نجات دهد.⁵ نکته قابل توجه این است که این معلمان زندگی که پدر، مادر، اساتید مدرسه و

1. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج 10، ص: 856.

2. ابراهیم امینی، رهنمودهایی به طلاب و دانشجویان جوان از

منظر آیت‌الله امینی، ص: 75.

3. نعمت‌الله یوسفیان، تربیت دینی فرزندان، ص: 19-18.

4. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج 1، ص: 233.

5. آیت‌الله مظاهری، ویژگی‌های معلم خوب، ص: 10.

دانشگاه هستند، منزلتی بس والا دارند و نباید مقام آنان را سبک شمرد.

در آیه 159 سوره آل عمران به صفاتی اشاره دارد که هر رهبری باید آن را دارا باشد، مساله گذشت و انعطاف-پذیری، بدیهی و روشن است هر فردی که تصمیم به تعلیم و تربیت داشته باشد اگر خشن و تند خو باشد مردم از اطرافش پراکنده خواهند شد، چنانچه از این آیه برداشت می شود روح خشک و سنگین و بی لطافت هیچ گاه در امر تربیت موفق نمی شود.¹

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ: به

(برکت) رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.»

اخلاق در این نوشتار، دانشی است که به حوزه‌ی منش و رفتار آدمی محدود می شود و از احکامی همچون بایدها، نبایدها، خوب و بد سخن می گوید.

2-2 معلم در نهج البلاغه

حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرماید: «آلَةُ الرَّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ: وسیله رهبری سینه گشاده است»² اما سعه صدر و مسامحه و سهل انگاری نباید با یکدیگر

اشتباه شود. سعه صدر آن است که برای انجام مدیریت صحیح گاه لازم است که برخی موضوعات جزئی ندیده گرفته شود و فرد به خطا کار فرصت دهد تا خود را اصلاح نماید. اما سهل انگاری رها کردن مدیریت صحیح و سستی در برابر حوادث و اشخاص خطا کار می باشد.³

یعنی کسی که مسئولیت می پذیرد. باید تسلط بر اعصاب داشته باشد. پدر در خانه، رئیس در اداره، وزیر و رهبر در مملکت نیاز به سعه صدر دارند، به همین ترتیب معلم هم به آن نیاز دارد. پس باید به این نکته توجه نمود که یکی از ابزارهای اصلی معلمین زندگی سعه صدر است و باید برای تقویت آن کوشید.

3- ارتباط بین خلیات و معنویات در مسیر

تربیت

اگر به کتاب و سنت مراجعه کنیم درمی یابیم که رابطه‌ی محتوایی عمیقی بین دین و اخلاق وجود دارد، بخش عظیمی از آیات و روایات به مسائل اخلاقی مربوط می شود و دستوراتی است که در آباد کردن حیات دنیوی موثرند، براساس مساله تجسم اعمال، آباد کردن آخرت نیز از اعمال دنیوی زاییده می شود.⁴ و این اخلاق است که با معنویات عجین شده و آخرت انسان را می سازند، همانطور که حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «خیر دنیا و آخرت در چهار چیز است: راستگویی، ادای امانت، پارسایی شکم، اخلاق نیکو.»⁵

با توجه به مطلب یاد شده درمی یابیم ملکات اخلاقی در رابطه‌ی انسان با خدا پدید می آید؛ اگر ایمان در نهاد

4. عبدالحسین خسروه پناه دزفولی، اخلاق قرآنی، ص 21-15.

5. جمال الدین خوانساری، شرح بر غررالحکم و درر الکلم، ج 2، ص: 151.

1. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 3، ص: 185.

2. دشتی، نهج البلاغه، حکمت 176.

3. ناصر مکارم شیرازی، پیام امام، ج 13، ص: 404.

انسان تقویت شود سایر ملکه‌های اخلاقی مثبت به راحتی محقق می‌شود. مشکل اساسی در ظهور این ملکات فقدان یا ضعف ایمان است.¹

تعلیم و تربیت اسلامی برای خروج از غفلت، نسبت به پروردگار عبادت را که برای تذکر است، به عنوان فریضه و نافله بسیار توصیه کرده است و اسلام با موجباتی که روح عبادت را از بین می‌برد مبارزه کرده است. در اسلام یک خصوصیتی است که روح عبادت، ارتباط و پیوند میان بنده با خدا و شکستن دیوار غفلت است، نکته جالب این است که اسلام به عبادت شکل داده و به شکل نیز نهایت اهمیت را داده و در آن یک سلسله برنامه‌های تربیتی را در لباس عبادت وارد کرده است؛ اسلام وقتی که می‌خواهد عبادت را تشریح کند، چون می‌خواهد مخصوصاً عبادت هم یک اثر خاصی از نظر تربیتی داشته باشد، چیزی را که به عبادت خیلی ارتباط ندارد ولی در تعلیم و تربیت مؤثر است، در لباس عبادت اعم از واجب و مستحب، نمایان می‌کند.²

ایجاد فضای معنوی برای فراگیر و برانگیختن احساسات وی باعث می‌شود شوق و امید به آموختن افزایش یابد و برای دستیابی به مراتب عالی و مدارج بالا بیشتر از قبل تلاش کند. چنین معلمی با رفتار، نگاه و سکوت به فراگیران خود، همدردی کردن، بردباری نشان دادن، تحمل سختی‌ها و در نهایت چگونه اندیشیدن، چگون انتخاب کردن، و بالاخره چگونه زیستن را آموزش می‌دهد.³

اخلاق ناظر بر جنبه‌های شخصیت انسان و ارائه راه به سوی کمالات و خوبی‌هاست. وضع اولیه اخلاق در ابتدا به گونه‌ای بوده که شامل همه خصوصیات باطنی و شخصیتی

فرد بوده است با توجه به حدیث «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: همانا من برای به اتمام رساندن خوبی‌های اخلاق مبعوث شدم» اخلاقیات ناظر به تکمیل و به کمال رساندن ابعاد معنوی و شخصیتی انسان‌ها است. فارابی معتقد است: "سعادت، آخرین هدفی است که آدمی برای وصول به آن می‌کوشد و سعادت جز با کارهای نیک که از روی میل انجام شود، به دست نمی‌آید. آدمی در اعمال نیک آزاد است؛ زیرا انسان بالقوه دارای خصایصی است که او را در انجام این اعمال یاری می‌دهد فارابی تاکید می‌کند که اخلاق پسندیده و اخلاق ناپسند در اثر ممارست کسب می‌شوند اگر کسی دارای اخلاق پسندیده نباشد می‌تواند در اثر عادت آن را تحصیل کند." غزالی نیز بر این باور است که: "تربیت انسانها به سه دلیل می‌باشد: تحصیل سعادت دین و دنیا، به دست آوردن خشنودی خداوند، مطیع ساختن نفس اماره یعنی همان تهذیب اخلاق."⁴

"معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد، این، بی‌گمان محتاج تلاش و جهاد است و این تلاش و جهاد بدون همراهی حکومتها به دست نمی‌آید. لازمه دستیابی به اخلاق و معنویت این است که حکومت باید خود منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشد؛ زمینه را برای رواج آن فراهم کند و به نهادهای تاثیر گذار میدان دهد. هم‌اکنون با تهاجم روز افزون دشمنان به دل‌های

³. رضا فرهادیان، هنر معلمی، ص: 23.

⁴. زهره حسنی، تعلیم و تربیت در سیره نبوی، ص: 22-23.

¹. عبدالحسین خسروپناه دزفولی، اخلاق قرآنی، ص: 50.

². مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص: 185-187.

پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای، به چشم خود می‌بینیم در تلاش نفوذ کردن به این دل‌های پاک می‌باشد.¹ از این رو مسئولین جامعه اعم از حکومتی و غیر حکومتی وظایف سنگینی بر عهده دارند که شامل معلمین درسی و غیر درسی نیز می‌شود.

4- معلم و شناخت معارف دینی

لازمه شناساندن هر علمی معرفت داشتن نسبت به مبانی دینی می‌باشد. آشنایی با مبانی دینی در حکم بیمه‌ای در مقابل شبهات متفاوت است و انسان را از تزلزل در عقیده مصون می‌دارد.²

معارف دینی همچون اندام‌های بدن در ارتباط هستند و برای شناساندن این معارف لازم است معلم با همه اعضای دین آشنایی داشته تا در موقع نیاز قادر به پاسخگویی باشد. مثلاً اگر فردی درباره نماز بپرسد کسی می‌تواند پاسخ جامع و صحیحی به او بدهد که به مباحث توحیدی و صفات الهی آشنایی داشته باشد.³ پاسخ دادن مهم است اما باید دقت نمود که پاسخ صحیح مهم‌تر است از پاسخی است که فرد به خاطر حفظ مقام ظاهری بدهد. گاه گفتن نمیدانم ارزشی بالاتر از پاسخ دارد، پاسخی که باعث شبهه‌افکنی شود. قانع شدن عقل تنها راه نیست، دل هم باید آرام شود. گاه ممکن است سخن به قدری قوی باشد که مخاطب بدون آرام گرفتن دل تسلیم شود. اگر به موعظه‌های اهل بیت (علیهم السلام) و مناظره‌های ایشان دقت کنیم روش‌هایی را می‌بینیم که جالب توجه و بسیار کارآمد می‌باشد.⁴

به عنوان نمونه می‌توان به گفت‌وگوی امام صادق (علیه السلام) با کافری از اهل مصر اشاره نمود، در این داستان نکات قابل توجهی وجود دارد؛ در این جا فقط چند نکته از هزارومشتی خروار آن نکات را اینجا یادآور می‌شویم زیرا بیان همه ی آنها از حوصله نوشتار خارج است:

امام (علیه السلام) از موضوع کوچک و دم دستی که نام و کنیه فرد مصری شروع می‌کند و او را به ایمان و توحید کشانید و این دلالت بر مهارت و زبردستی امام (علیه السلام) در طرز استدلال، اینکه توحید از فطرت بشر است و اثبات توحید نیازی به تجسم و پیمودن راه پر پیچ‌وخم دور و تسلسل ندارد. امام (علیه السلام) بدون آنکه استدلال طولانی شود تنها با سوالات کوتاهی بدون توهین و بدگویی به زندیق، او را "ای برادر اهل مصر" خطاب می‌کند و طبق جواب‌های خودش او را محکوم نمود. به امر امام (علیه السلام) این فرد توسط هشام بن حکم آموزش داده شد و بعدها معلم اهل مصر و شام شد و پاکی‌اش به حدی بود که امام بدان خشنود بود.⁵

5- راهکارهای مناسب معلم در امر

تربیت

هرفرد برای رسیدن به اهداف مورد نظر در هر زمینه‌ای به اقداماتی نیاز دارد از جمله این اقدامات را به صورت اختصار بیان می‌کنیم:

1-5 معلم و افکار معنوی فراگیر

بی تردید شاگرد، والاترین و بهترین برادر، بلکه ارجمندترین فرزند معلم است، علت را چنین بیان کرده‌اند

4. محسن عباسی ولدی، روش شناسی، ص: 80.

5. جواد مصطفوی، ترجمه و شرح اصول کافی، ج 1، ص: 91.

روایه 1.

1. سید علی خامنه‌ای، متن بیانیه گام دوم، ص: 10.

2. محسن عباسی ولدی، روش شناسی، ص: 35.

3. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج 1، ص: 348.

که: علم و دانش، اساس و عامل به هم رسیدن یک نوع قرب و خویشاوندی روحی و معنوی است که معلم و شاگرد را با هم مرتبط می‌سازد؛ و چنین پیوندی از هرگونه پیوند و خویشاوندی جسمانی و خونی، والاتر و شکوهمندتر می‌باشد. از ابن عباس روایت شده است که می‌گفت: "گرامی - ترین فرد در پیشگاه من، همنشین من است همنشینی که از کنار مردم پا فراتر نهاده تا آنگاه که راه خویش را به سوی من گشوده و در کنار من بنشیند."¹

از این روایت می‌توان برداشتی به صورت متقابل داشت چرا که این انتظار نباید تنها از معلم باشد شاگرد نیز می‌تواند چنین حسی نسبت به معلم زندگی خود داشته باشد؛ همچون برادر یا خواهر دینی ایشان را همراهی نماید، راه را از بیراهه تمییز دهد.

برخی از معلمین معتقدند تربیت دینی فقط برعهده خانواده و مسئولین دینی است در حالی که این چنین نیست و تمامی معلمین می‌توانند تأثیر مستقیم بر روی فراگیر داشته باشند. انسان یک بُعد شناختی دارد که از طریق معرفت‌ها و آگاهی‌ها تغذیه می‌شود، یک بُعد عاطفی که با ایجاد تسلیم قلبی در برابر معارف دینی، تغذیه می‌شود و یک بعد رفتاری دارد که باید با انتقال درست رفتارهای عبادی اخلاقی به صورت صحیح شکل داده شود. نقش معلم، نقش آموزشی و ایمان آفرینی است.²

در یک نگاه کلی اسلام تربیت اعتقادی را در سه مرحله می‌داند:

1. محمد بن مهدی العجمی، تذکره السامع والملتکم فی ادب العالم -

والمتعلم، ص: 74.

2. آیت الله مظاهری، ویژگی‌های معلم خوب، ص: 192.

- تولد ایمان: تاکید بر آگاهی بخشی به متربی و اقتناع فراگیر مدنظر می‌باشد؛

- مراقبت و مواظبت: در این مرحله موانع رشد باید برطرف گردد، شبهات، دوستان نامناسب و عواطف منفی از موانعی هستند که می‌توانند تأثیرگذار باشند.

- نگهداری و تقویت: در این مرحله عواملی مانند ارتباط با خدا، یاد خدا و معاد، زنده نگه داشتن یاد ائمه معصومین (علیهم السلام)، زیارت آنان، توصیف سیره پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) توسط بزرگترها تأثیر بسزایی در تثبیت ایمان دارد.³

"برخورداری از صفای نفس و پاکی از معایب روحی، سبب نورانیتی در دل می‌شود که هر دل آماده‌ای را به طرف خود می‌کشاند. کودکان و نوجوانان به علت برخورداری از پاکی خدادادی قادرند وجود و عدم وجود این نورانیت را درک کنند، اگر معلمی محبوب دانش آموز نباشد تأثیرش در بهترین حالت محدود به ذهن و شناخت دانش آموز می‌شود، اما محبوبیت به او این امکان را می‌دهد تا به آسانی موانع باورهای ذهنی صحیح و ایمان قلبی، را از میان بردارد و بذر باورهای دینی را در قلب و روح دانش آموز بنشانند."⁴

اگر برخی از رفتارها در ظاهر و باطن فرد وجود داشته باشد می‌تواند در معنویات فراگیر اثرگذار باشد برخی از آنها عبارت است از:

1. ایمان به گفتار خود: جمله معروف «سخنی که از دل برخیزد بر دل نشیند» بیان واقعیتی است که از آن می‌توان به عنوان یک اصل اساسی یاد کرد. زیرا اگر می‌

3. محمد اسماعیل نوری، جعفر وفا، وظایف اخلاقی معلم و شاگرد، ص: 95.

4. زهره حسنی، تعلیم و تربیت در سیره نبوی، ص: 190.

بینیم عمل شخصی در درون کسی اثر کرده به خاطر خاصیت درون نمایی عمل است چرا که عمل شخص غالباً نشانه عقیده و اعتقاد اوست.¹

"مواعظ همانند بارانها و قطرات رحمت الهی هستند که از عالم روح و اعلی روی دل انسانها می بارد اگر از مسیر کسانی که خودشان عامل هستند، وارد قلب کسی شود، اثر می گذارد؛ ولی اگر شخص واعظ عامل نباشد این پندها روی دل دیگران اثر نمی گذارد و شبیه به لغزش باران بر روی تخته سنگ سخت، می لغزد، پس انسان باید اول خودش اهل عمل باشد سپس دیگران را راهنمایی کند."²

2. اثر تقوای گوینده: "هر سخن همیشه رنگ گوینده را دارد و صفات گوینده اعم از روحانیت و معنویت، یا صفات زشت و بد او را همراه می آورد و به همین دلیل سخنی که از یک فرد با تقوا صادر می گردد تمام دریچه های روح انسانی در برابر آن گشوده می شود و تمام وجود انسان از آن استقبال می کند و به عکس سخنی که از فرد ناپاک و فاسدی سر می زند با عکس العمل منفی ناخودآگاهانه از طرف شنونده مواجه می گردد و دریچه های روح بر آن بسته می شود.

3. تفوق طلبی در بحث یا جدال یا مراء: جدال باعث می شود عواطف طرف مقابل جریحه دار شود، و او را به مقاومت وامی دارد. از طرفی جدال با ایمان سازگار نیست؛ زیرا نشانه کبر است، کبر با ایمان که تسلیم و خضوع روح در برابر حق است سازش ندارد. برای رهایی از این خطرات اسلام دستور می دهد که از بحث هایی که جنبه پرخشگری دارند پرهیز شود حتی برای اثبات حق نیز از این طریق استفاده نگردد.

4. ترک خودخواهی: کسی که می خواهد در روح و افکار دیگران نفوذ کند هرگز نباید اصرار داشته باشد که حقایق را به عنوان «فکری منتسب به او» بپذیرند بلکه به عکس باید کوشید حقایق را به طور مطلق و حتی به صورت فکر طرف بازگو نمود؛ زیرا هر کس افکار خویش را دوست دارد و جزئی از او محسوب می شوند.

5. برانگیختن عواطف مثبت: تلاش فرد آموزنده باید بر این باشد که عقل و عواطف در دو جناح متضاد قرار نگیرند و سعی شود که عواطف در طرح مسائل مورد توجه و همراه عقل باشند، تا قدرت کشش عقل بیشتر شود. از راه های برانگیختن عواطف ذکر نام با احترام است، گوش کردن به سخن مخاطب به طوری که فرد دریابد معلم در پی حقیقت و راهنمایی اوست، یادآوری موارد قابل تحسین یا قابل قبول گفتار طرف، دلسوزی واقعی: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا: گویی می خواهی بخاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند»³، اشتباهات به صورت غیر مستقیم بر وی عرضه شود.

قرآن مجید سمبل عالی یک گفتار مؤثر و نافذ است و نفوذ آن در افکار مردم آنچنان خارق العاده بود که آن را «سحر» خواندند، اغلب از همین روش استفاده می کند و در استدلال خود در برابر مخالفان و مشتبهان همین طریق را به کار می بندد و با جمله هایی از قبیل: «مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ: کدام معبود غیر خداست؟»⁴، «ءَالَهُ مَعَ اللَّهِ: آیا

1. ناصر مکارم شیرازی، زندگی در پرتو اخلاق، ص: 236.

2. محمد یزدی، گفتارهای اخلاقی، ص: 94.

3. سوره کهف: 6.

4. سوره قصص: 72.

معبودی با خداست؟»^۱، «هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ: آیا آفریننده‌های جز خدا هست؟»^۲ مسائل مختلف را طرح می‌کند و قضاوت نهایی را به عهده شنوندگان می‌گذارد و از وجدان خود آنها در طرح و حل مسائل یاری می‌جوید.^۳

2-5 نقش معلم در رفتار فراگیر

منظور از تاثیر معلم بر فراگیر یعنی تربیت و پرورش، چرا که مفهوم تعلیم و تربیت با یکدیگر بسیار متفاوت است:

این دو واژه از نظر مفهومی با یکدیگر متفاوت هستند. تربیت نسبت به تعلیم معنای عام‌تری دارد. تعلیم تنها وسیله‌ای برای تربیت است و از این حد تجاوز نمی‌کند و جزئی از تربیت است. تربیت تنها به ناحیه عقلانی دانش-آموز محدود نیست. چون معرفت و علم همه چیز نیست؛ جهات نفسانی از قبیل وجدان، اراده، اخلاق، حسن سلوک با افراد جامعه از مطالبی است که مفهوم تربیت می‌تواند آن را در خود جای دهد. و هدف از تربیت این است که از خود انسان، انسانی بسازد که از انسانیت خود، پیش از آنکه به عنوان ابزاری باشد، برخوردار شود.^۴

علوم تربیتی در جهت آگاهی از کنش‌ها و واکنش‌های آدمی تلاش می‌کند تا استعداد‌های علمی، اخلاقی و مهارت‌های حرفه‌ای را شکوفا کند توجه این علم به فضیلت‌های اخلاقی همچون ابزار و واسطه‌ای است که فرد را در مراحل تربیتی یاری می‌کند.^۵

محتوای یک برنامه تربیتی مناسب شامل آشنایی با آداب زندگی و نیازهای اجتماعی است. از نظر علامه

طباطبایی، ادب هیئت زیبا و پسندیده‌ای است که طبع و سلیقه چنین سزاوار می‌داند که هر عمل مشروعی، چه دینی باشد (مانند دعا و امثال آن) و چه مشروع عقلی (مانند دیدار دوستان)، بر طبق آن هیئت واقع شود. به عبارت دیگر، ادب عبارت است از ظرافت عمل. و معلوم است که عمل وقتی ظریف و زیبا جلوه می‌کند که نخست، مشروع بوده و منع تحریمی نداشته باشد، دوم اینکه عمل اختیاری باشد؛ یعنی ممکن باشد آن را در چند هیئت و شکل درآورد و شخص به اختیار خود آن را به وجهی انجام دهد که مصداق ادب واقع شود؛ نظیر ادبی که در غذا خوردن و یا نماز خواندن سفارش شده است. باید توجه داشت که اسلام سرتاپای زندگی را دارای ادب نموده است و آن انجام اعمال بر هیئت توحید است.^۶ از این رو رسالت‌های اساسی امر تعلیم و تربیت این است که فراگیران را با انواع آداب زندگی فردی و اجتماعی از طریق محتوای درسی آشنا نماید.

امام علی (علیه السلام) در یکی از گفتارهای گهر بار خود چنین می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بَسِيرَتَهُ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ: کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد، و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوار تر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب

۴. زهره حسنی، تعلیم و تربیت در سیره نبوی، ص: 61-63.

۵. دیلمی، اخلاق اسلامی، ص: 20.

۶. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 6، ص: 366.

۱. سوره نمل: 61.

۲. سوره فاطر: 3.

۳. ناصر مکارم شیرازی، زندگی در پرتو اخلاق، ص 250-236.

بیاموزد.»¹ کلام امام (علیه السلام) در اینجا با توجه به ظاهر کلام، رهبر حکومت را خطاب قرار داده است، اما در آخر کلام مشاهده می‌نماییم که این خطاب شامل تمام کسانی که به نوعی ارشاد و هدایت مردم را برعهده می‌گیرند، نیز می‌شود. و اشاره به یک واقعیت مسلم عقلانی دارد که انسان تا خودش چیزی نداشته باشد نمی‌تواند به دیگران اهدا کند؛ مردم سخن کسی را که به گفتار خود پایبند نیست، هرگز نمی‌پذیرند و به خود می‌گویند: اگر او این سخنان را باور داشت ابتدا خودش آنها را در زندگی شخصی به کار می‌برد. به همین دلیل امام (علیه السلام) در دومین جمله می‌فرماید: «باید تادیب و تعلیم او نسبت به دیگران پیش از آنکه با زبانش باشد با عمل صورت گیرد»¹. اکنون وقت آن است که بدانیم اگر نتوانستیم اخلاقیات و معنویات مورد قبول دین اسلام را به فراگیران آموزش دهیم یا با افرادی برخورد کردیم که دچار انحراف اخلاقی شده‌اند چگونه باید آن را درمان کنیم؟

6- آسیب شناسی در مسیر امر تربیتی

قبل از بیان درمان باید دو نکته لازم و مورد توجه را ذکر نمود: ردائل اخلاقی و راه درمان، ملکات اخلاقی.
نکته اول: انحرافات اخلاقی در حقیقت یک نوع بیماری روحی است و گاهی منشأ بیماری‌های جسمی می‌شود یا به‌عکس گاهی از بیماری‌های جسمی سرچشمه می‌گیرد. بنابراین باید همان اصولی که در ارتباط با بیماری جسمی رعایت می‌شود مورد توجه قرار گیرد.
نکته دوم: سه اصل اساسی در درمان: تشخیص نوع بیماری؛ تشخیص عوامل بیماری؛ راه درمان.

تشخیص در مسائل اخلاقی نسبت به بیماری‌های جسمی فوق العاده پیچیده است؛ زیرا در بسیاری از مواقع انحرافات اخلاقی علائم و تظاهرات مشابه دارند، که این تظاهرات گاه آمیخته از چند نوع بیماری اخلاقی است که دقت و حوصله علمی را می‌طلبد. بهتر است درمان در جوانی و نوجوانی باشد چرا که اصلاح جوانان و کودکان به مراتب آسان‌تر از دوره‌ی بزرگسالی است.²

طبق نظر استاد مطهری، اساس تربیت در انسان باید بر شکوفا کردن روح و استعدادهای فطری نهفته در آن باشد. بعضی دوره‌ها تناسب و موقعیت بهتری برای شکوفا شدن استعدادها دارد؛ دوره‌ی هفت تا سی سالگی دوره‌ی بسیار مناسبی برای شکوفایی استعدادهاست یکی از بهترین دوران زندگی هر شخص، دوران تحصیل اوست زیرا روح او آمادگی پذیرش معلومات، افکار، اندیشه را دارد و روز به روز بر ذوقیات و عواطفش افزوده می‌شود.³

معلمانی که با دانش‌آموزان و به خصوص والدین آنان ارتباط بیشتری دارند بهتر می‌توانند آنان را در مسائل اعتقادی و اخلاقی همراهی کنند، زیرا از این طریق به سوابق کودکی آنان پی خواهند برد.

"معلم با توجه به نفوذ معنوی‌اش قلب و اندیشه و رفتار دانش‌آموز را تسخیر می‌نماید. تمام رفتار معلم از کوچکترین حرکات و اشارات او تا نحوه گفتار و عملش ممکن است توسط دانش‌آموز تقلید شود. دانش‌آموز معلم را الگو و سرمشق خود قرار می‌دهد زیرا شاگرد او را سرآمد افراد و والاترین شخصیتها می‌داند، پس سعی می‌کند کمالات و شخصیت او را در خویش تجلی دهد و همان راه را برود که او رفته است. گاهی ضدارزش‌های وجودی معلم

³. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص: 63.

¹. ناصر مکارم شیرازی، پیام امام، ج 12، ص: 437-436.

². ناصر مکارم شیرازی، زندگی در پرتو اخلاق، ص: 31.

را نیز ارزش می‌پندارد در این مواقع فرد دچار تعارض بین آنچه از خانواده خود آموخته و آنچه هم اکنون می‌بیند می‌شود، چنانچه اشتباهی که در معلم خود دیده را نتواند بپذیرد نسبت به ارزشهای از پیش آموخته بی‌اعتماد گشته و تا مدتها دچار سرگردانی می‌شود. نکته قابل توجه در اینجا این است که معلم مسئول تربیت روح و روان، عقل و فکر شاگردانش است؛¹ پس وظیفه معلم محدود به تدریس نیست و قبل از ورود به عرصه تربیت بایستی خود را بسازد.¹

حتی انسان‌هایی که در جامعه به عنوان افراد عادی در کنار هم زندگی می‌کنند، همین وظایف را در قبال یکدیگر دارند؛ جناب آقای سجادی در این باره مثال زیبایی زده- اند: "وقتی فردی در جامعه مشغول فساد است و مرتکب منکرات می‌شود، دیگری نگاه می‌کند و می‌گوید: به من چه؟ من و او را در یک قبر دفن نمی‌کنند. نمی‌اندیشند که جامعه مانند کشتی است. اگر آب وارد کشتی شود، ولو از جایگاه یک فرد فقط آن فرد را غرق نمی‌کند، بلکه همه مسافران را یک‌جا غرق می‌سازد. انسان موجودی است با مسئولیت‌های فردی و اجتماعی و باید در قبال همه انسان‌ها، احساس مسئولیت داشته باشد. یکی از بزرگترین مسئولیت‌های اجتماعی انسان‌ها مقابله با مظاهر نفاق، شقاق و بدبختی است."² همه ما انسان‌ها به نوعی معلم یکدیگر هستیم و با رفتارهایمان جامعه خود را می‌سازیم.

چنانچه مشاهده می‌نمایید در نوشتاری که گذشت بحث در ارتباط با تاثیرات معلم نسبت به دانش‌آموزان بود، و برای درک بهتر این‌گونه مثال زده شد همانطور که پیش

از این بیان کردیم معلم مفهومی عام است؛ رفتاری که معلم نسبت به دانش‌آموزان دارد شامل معلمان دیگر زندگی (والدین، افرادی که به عنوان الگو در جامعه حضور دارند) نسبت به فراگیران نیز می‌شود. به عنوان مثال یک روحانی معلم دینی مردم جامعه است و رفتار نیک و بد او بر مردم تاثیر گذار است اگر آنچه مردم از او انتظار دارند مشاهده کنند، جذب او خواهند شد. یا به عنوان مثال دیگر می‌توان به پدر و مادر و افراد شاخص در محیط جامعه اشاره نمود.

¹ اعظم السادات موسوی و دیگران، نقش معلم در تربیت اخلاقی جامعه، ص: 4.

² عبداللطیف سجادی، اخوت و برادری در اسلام، ص: 108.

نتیجه گیری

تربیت دینی از عمده ترین رسالت های یک جامعه و زیر بنای توسعه پایدار انسانی و ابزار اصلی برای تحقق اهداف دینی (دنیا و آخرت) به شمار می آید. تحقق اهداف دینی بدون توجه به جنبه های اخلاقی صورت نمی پذیرد، زیرا دین و اخلاق پیوندی وثیق با یکدیگر دارند.

فراگیری هر رفتار و اخلاقی در انسان ها فعالیت دگرگون ساز است که برای زندگی اجتماعی در دنیا و برای رسیدن به سعادت اخروی به کار گرفته می شود. انسان یا راه و رسم زندگی را یاد می گیرد؛ یا باید به او یاد داد. فردی که چیزی نمی داند به آن عمل هم نمی تواند کند. جهل و نادانی سبب گمراهی می شود. نوع فراگیری در زندگی بر جسم و روح فرد اثرگذار است.

این فراگیری توسط اشخاصی صورت می گیرد که مسئولیت تربیت افراد جامعه را به عهده دارند. ایشان دارای مقامی والا هستند از این رو احترام به آنان و همچنین دقت آنها در امر تربیت بسیار سفارش شده است؛ مسئولینی که از آنان به عنوان معلمین زندگی یاد می شود، زیرا ایشان هرگونه که رفتار نمایند فراگیر آن را ثبت و ضبط می کند و در زندگی خویش به کار می گیرد و گاهی ضد ارزش ها را ارزش می پندارد. اخلاقی که آمیخته با تقوا و معنویات باشد حرکات و فعالیت های فردی را جهت می دهد و زمینه را برای رواج اخلاق و رفتار معنوی صحیح فراهم می کند. طبق فرموده امام علی (علیه السلام) لازمه ی دقت در اخلاق و رفتار فردی آن است که معلم پیش از تعلیم به دیگران معرفت دینی کسب کند و خود را بسازد و پیش از گفتار تربیت، با کردار تعلیم دهد.

با توجه به یافته های محقق فرد در امر تربیت می تواند با انجام اقداماتی بر تاثیرگذاری خود بیفزاید اینکه: به گفتار خویش ایمان داشته باشد و در آن از معارف قرآنی مدد گیرد، خودخواهی را ترک کند، حس تفوق طلبی و برتری نسبت به فراگیر نداشته باشد. چه خوب است آنان که در عرصه تعلیم و تربیت تلاش می کنند، برای شناخت و سنجش خود از آیات الهی بهره بگیرند، چنانچه رفتارشان ضد قرآن بود در رفع آن بکوشند، و چنانچه موافق قرآن بود آن را تقویت نمایند. خودسازی و کسب معارف دینی از اقدامات اولیه در امر تربیت است، اقدامی دیگر در امر تربیت که می توان آن را مکمل این اقدامات دانست وجود دارد و آن، شناخت و درمان رذائل اخلاقی و ملکات اخلاقی است. شناخت این گونه بیماری های اخلاقی نسبت به بیماری های جسمی فوق العاده پیچیده است زیرا چندین اخلاق با یکدیگر آمیخته می شوند و درمان را دشوار می سازند.

اخلاق دینی صحیح جهت دهنده افعال فردی و اجتماعی انسان هاست به همین خاطر است که خانواده و مسئولین تاثیر مستقیم بر روی فراگیر دارند و فراگیران از طریق معرفت ها و آگاهی ها تغذیه می شوند. دقت لازم باید بر این باشد که کمالات و شخصیت معلم در ذهن متربی به طور صحیح تجلی یابد، پس نیاز به حفاظت دارند تا بتوانند راه مستقیم را در پیش گیرند و به کمال مقصود برسند. منظور از متربی و معلم، تنها معلم و شاگرد آموزشی نیست، همه ما انسان ها در زندگی به نوعی معلم یکدیگر هستیم و با رفتارهایمان جامعه خویش را می سازیم، با رفتار خود می-توانیم مهربی بر تایید یا رد رفتار هم نوعان خود باشیم.

اما این مطلب نهایی نیست؛ چرا که عوامل دیگری از جمله وضع زندگی، حوادث پیش بینی نشده محیط اطراف و

حتی ساختمان جسم انسان، در خلق و خو و معنویات در زندگی انسان تاثیرگذار است. امید است که برای هر یک از موارد یاد شده که هر کدام می‌تواند یکی از علوم مستقل باشد توفیقی از سوی باری تعالی برای بررسی باشد.

منابع و مآخذ

*قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، علی عزیزی، پایگاه اینترنتی بریال اندیشه؛

*نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران، پیام عدالت، چاپ اول، 1395 هـ.ش؛

1. آمدی، عبدالواحد تمیمی، شرح غرر الحکم و درر الکلم، خوانساری، جمال‌الدین، قم، دفتر تبلیغات، چاپ اول، 1366 هـ.ش؛
2. امینی ابراهیم، رهنمودهایی به طلاب و دانشجویان جوان از منظر آیت‌الله امینی، قم، نشر هاجر، چاپ اول، 1396 هـ.ش؛
3. پارسا، محمد، روانشناسی یادگیری، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول، 1374 هـ.ش؛
4. حسنی، زهره، تعلیم و تربیت در سیره نبوی، تهران، مهر برنا، چاپ اول، 1387 هـ.ش؛
5. خامنه‌ای، علی، بیانیه گام دوم، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، چاپ اول، زمستان 1397 هـ.ش؛
6. خسرو پناه دزفولی، عبدالحسین، اخلاق قرآنی، بی‌جا، معاونت آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه، 1385 هـ.ش؛
7. دهخدا، علی‌اکبر، فرهنگ لغت دهخدا، بی‌جا، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، جلد 10 و 29، چاپ سوم، 1377 هـ.ش؛
8. دیلمی، احمد، آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، قم، معارف، تابستان 1380 هـ.ش؛
9. ذهنی تهرانی، سید محمد جواد، گنجینه ذهنی شرح اصطلاحات علوم رایج و غیر رایج، قم، بی‌نا، چاپ اول، 1372 هـ.ش؛
10. سجادی، عبداللطیف، اخوت و برادری در اسلام، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی معاونت فرهنگی، چاپ اول، 1386 هـ.ش؛
11. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، محمدباقر، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه دفتر انتشارات اسلامی، 1363 هـ.ش؛
12. عباسی ولدی، محسن، روش‌شناسی پاسخگویی به پرسش‌های اعتقادی، قم، جامعه الزهراء (علیها السلام)، چاپ چهارم، 1393 هـ.ش؛
13. العجمی، محمد بن مهدی، تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم، بیروت، لبنان، دار البشائر الاسلامیه، چاپ اول 1429 هـ.ق؛
14. فرهادیان، رضا، هنر معلمی، قم، مسجد مقدس جمکران، 1388 هـ.ش؛
15. مصطفوی، جواد، ترجمه و شرح اصول کافی، ج 1، تهران، ولی عصر، چاپ دوم، 1377 هـ.ش؛
16. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج 1، تهران، صدرا، چاپ بیست و پنجم، 1375 هـ.ش؛

17. _____ **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران، صدرا، 1374 هـ.ش؛
18. مظاهری، حسین، **ویژگی‌های معلم خوب**، قم، اخلاق، 1376 هـ.ش؛
19. معین، محمد، علیزاده، عزیزالله، **فرهنگ فارسی معین**، تهران، پارس نوین، چاپ چهارم، 1386 هـ.ش؛
20. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب اسلامی، جلد 3، چاپ سی‌وششم، 1387 هـ.ش؛
21. _____ **پیام امام امیر المؤمنین (علیه‌السلام)**، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، جلد 16، چاپ اول 1390 هـ.ش؛
22. _____ **زندگی در پرتو اخلاق**، قم، سرور، چاپ سوم، 1380 هـ.ش؛
23. موسوی، اعظم السادات، فتاحی، بهاره، زارع بیدکی، فاطمه، فلاح، ریحانه، **نقش معلم در تربیت اخلاقی جامعه**، راهکارهای توسعه و ترویج آموزش علوم در ایران، بی‌جا، بی‌نا، زمستان 1394 هـ.ش؛
24. نوری، محمد اسماعیل، وفا، جعفر، **وظایف اخلاقی معلم و شاگرد**، قم، شکوری، چاپ اول 1370 هـ.ش؛
25. یزدی، محمد، صلواتی، مهدی، **گفتارهای اخلاقی**، قم، اعتماد، چاپ اول، 1389 هـ.ش؛
26. یوسفیان، نعمت‌الله، **تربیت دینی فرزندان**، قم، زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی، چاپ اول، 1386 هـ.ش؛
27. امیری، زهرا، سایبان، Amiri Zahra. Blogfa. Com.

مقاله دوم

زنان و انواع آسیب اینترنتی با تأکید

بر منابع اسلامی

فائزه شرفی

مدرسه علمیه هاجر (سلام علیها)

خمین

چکیده

اینترنت، شبکه گسترده جهانی است که شبکه‌های مختلف رایانه‌ای را در اندازه‌های متعدد به یکدیگر متصل می‌کند. همچنین شبکه‌های اجتماعی نوعی ساختار اجتماعی به شمار می‌آیند که از گره‌های متعددی تشکیل شده‌اند. پژوهش حاضر با شیوه توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای به دنبال کشف پاسخ این سؤال است که انواع آسیب اینترنتی بر زنان با تأکید بر منابع اسلامی کدام است. در کنار تأثیر مثبتی که شبکه‌های اجتماعی بر کاهش دادن فاصله‌ها و رشد اطلاع‌رسانی داشته‌اند. شبکه‌های اجتماعی شیوه تعامل فرزندان با والدین را نیز دگرگون کرده است. فرهنگ حاکم بر اینترنت، پیامدهای منفی بر سلامت روان و رفتار انسانها دارد. اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی پیامدهای روحی متفاوتی برای کاربران دارد، افسردگی، خجالتی شدن و ... استفاده فزاینده از اینترنت با کاهش ارتباط خانوادگی و شرکت در محافل اجتماعی محلی همراه است. یکی از آسیبهای شایع، اشاعه فحشا، بیبندوباری اخلاقی و تحریک جنسی است. از بزرگترین مسائل اجتماعی که جوامع امروزی به آن مبتلا می‌باشند ضعف بنیاد خانواده است. از آسیبهای اینترنت، اعتیاد به آن است که میتواند مشکلات جدی تحصیلی و خانوادگی برای مخاطبان به وجود آورد. وجود فضای بی‌بندوباری و دوری از حیا و عفت، یکی از ویژگی‌های برخی شبکه‌های اجتماعی مجازی است. فضای سایت‌های دوست‌یابی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، به نقض این احکام و شکسته شدن قبح ارتباط خارج از شرع و عرف با نامحرم و عادی شدن روابط دختر و پسر می‌انجامد که با ارزش‌های اسلامی ایرانی هم‌خوانی ندارد.

واژگان کلیدی: زنان، اینترنت، فضای مجازی، آسیب.

مقدمه

شود، تا آنجا که گاهی از آن به عنوان انفجار اطلاعات هم نام برده می‌شود، ولی این فن‌آوری مدرن با تمام فوایدی که دارد، تهدیدها و خطرهایی نیز برای جامعه و بشر داشته است. به طوری که امروزه، بخش عمده‌ای از جرائم مربوط به حوزه کامپیوتر، اینترنت و فضای مجازی است که امنیت اجتماعی را هدف قرار داده‌اند. آسیبهای اجتماعی به عنوان اموری که نظم عمومی جامعه را به هم میزنند و هنجارهای آن را مورد تعرض قرار میدهند بسیار حایز اهمیت میباشند. چرا که افزایش ناهنجاریها نشانهای از وجود بحران محسوب میشود و نظم اجتماعی را تهدید میکند.

هدف اصلی ایجاد فضاهای مجازی صرف نظر از اینکه

جنبهی مثبت اطلاعرسانی دارد بر

اساس گسترش فرهنگ و تمدن غرب میباشد و این مهم میتواند از طریق از بین بردن ارزشها اعتقادات، هنجارها، باورها و... ایجاد شود، آسیبهای استفاده از فضای مجازی ابتدا خانواده و سپس اجتماع را دربر میگیرد و حتی میتواند بدبینی ایجاد کند و تمام ارزشها را مورد شک و تردید قرار دهد. با توجه به اهمیت آسیبهای اجتماعی و روند رو به رشد آن بیشک مداخله در آسیبهای اجتماعی نیاز به تفکری جامع دارد که فعالیت آن در سطوح مختلف پیشگیری مراقبت و حمایت قابل پیشگیری باشد. میلیون‌ها سال از اختراع آتش و ابزار گذشته است. انسان‌ها با ابزار به شکار پرداخته و روزگار گذرانده‌اند. در ادامه بشر به کشت و زرع روی آورده و عصر کشاورزی (موج اول) شکل گرفته است و زمین نماد اقتدار در این دوره بوده است. بعد از هزاران سال، فکر و اندیشه بشری رشد کرده و دست به اختراع و اکتشافات زد و عصر صنعت (موج دوم) شروع شد و با ورود صنایع و تکنولوژی به زندگی، موجبات راحتی و آسایش انسان‌ها را

فضای مجازی نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی است که علیرغم اینکه عمر خیلی زیادی ندارد توانسته به خوبی در زندگی مردم جا باز کند. انسانها در فراز و نشیبهای تاریخ همیشه از دردها و آسیبهای اجتماعی بسیاری رنج برده‌اند و همواره در جستجوی یافتن علل و انگیزه‌های آنها بوده‌اند تا راهها و شیوههایی را برای رهایی از آنها بیابند.

از مجموعه این آگاهیها و تجربهها و آموختهها، توانسته‌اند زمینههای مطالعاتی و رشتههای مختلفی را برای تبیین ناهنجاریها و نابسامانیهای زندگی اجتماعی پی ریزی کنند. حاصل این کار پیدایی دانش آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحراف) است.

آسیب شناسی اجتماعی مطالعه بینظمیها و آسیبهای اجتماعی همراه با علل و انگیزه‌های پیدایی آنها و نیز شیوههای پیشگیری و درمان این پدیدهها، به انضمام مطالعه شرایط بیمار گونه اجتماعی است؛ زیرا خاستگاه اصلی تبهکاری را باید در کل حیات اجتماعی از قبیل: فقر، تورم، گرانی، بیکاری، فقدان امنیت مالی و حقوقی و دیگر عواملی که باعث محرومیت میشوند، زمینه مساعدی را برای انواع مختلف آسیبهای اجتماعی چون: خودکشی، سرقت، اعتیاد به مواد مخدر، طلاق، گدایی و ... فراهم می‌آورند. از این رو مفهوم آسیب شناسی گستره وسیعی پیدا می‌کند و از ابعاد ارزشی و کاربردی فراوانی برخوردار می‌گردد.

در این زمینه کتابی با این عنوان یافت نشد. تحقیق یاسمی‌نژاد، آزادی و امویی در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که فضای مجازی می‌تواند امنیت اجتماعی را مورد تهدید قرار دهد؛ زیرا اینترنت با وجود اینکه می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند در عرصه اطلاعرسانی به کار گرفته

فراهم آورد و سرمایه و پول مشخصه اصلی آن شد؛ پس با توجه به نیاز انسان به اطلاعات و دانش در زمینه‌های مختلف، عصر اطلاعات و ارتباطات یا دوره فرا صنعتی (موج سوم) آغاز شد و تغییرات و دگرگونی‌های شگفت‌انگیزی را در ابعاد مختلف بشری به وجود آورد. موج سوم با کامپیوتر و اینترنت شروع شد و سرعت توسعه علم، دانش و فناوری اطلاعات به شدت افزایش پیدا کرد؛ کسب اطلاعات، آگاهی و دانایی مشخصه اصلی موج سوم است. در سالهای اخیر شبکه‌های اجتماعی به عنوان بزرگترین دستاورد اینترنت و فضای مجازی به دلایل مختلف از جمله نامحدود بودن ارتباطات، بیهویت بودن، آزادی بسیار زیاد، بیمکانی و بیزمانی کاربران و ... با اقبال عمومی مواجه شده و هر کدام به تناسب اهداف خود، فعالیت‌هایشان را گسترش داده‌اند. استفاده از تکنولوژی‌های نوین و فضای مجازی علاوه بر اینکه مزیت‌های فراوانی دارد، اگر درست مدیریت و نظارت نشود تهدید جدی محسوب می‌شود.

الف - مفهوم شناسی

1- اینترنت

اینترنت، شبکه گسترده جهانی است که شبکه‌های مختلف رایانه‌ای در اندازه‌های متعدد و حتی رایانه‌های شخصی را با استفاده از سخت‌افزار و نرم‌افزارهای گوناگون و با قراردادهای ارتباطی به یکدیگر متصل می‌کند. این شبکه جهانی از طریق خطوط تلفن، رایانه‌های شخصی و شبکه‌های رایانه‌ای به یکدیگر متصل می‌شود و با اختصاص نشانه‌های الکترونیکی مشخص به هر یک از آنها، امکان برقراری ارتباط سریع و گسترده را میان تمام کسانی فراهم

می‌کند که به شبکه متصل هستند و تبادل اطلاعات میان آنان را به صورت متن، صدا، تصویر و فیلم میسر می‌سازد. در مجموع «شبکه اینترنت همانند یک محل مجازی ملاقات عمومی شهروندان جهان و یک نقطه تلاقی عمومی است که در آن میلیون‌ها نفر از بیش از 155 کشور جهان با هم در ارتباطند و سازمان عظیمی را تشکیل می‌دهند. اینترنت در واقع دنیای مجازی حاصل از انقلاب دیجیتال¹ و سیستم عظیم و جهانی متشکل از انسان، اطلاعات و رایانه است.²

ظهور شبکه جهانی اینترنت که یکی از برجسته‌ترین فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی است، نمایانگر پیشرفت فناورانه انسان امروزی است که نقش آن در ایجاد و تغییرات اجتماعی و به ویژه تغییرات ارزشی قابل چشم‌پوشی نیست. اینترنت، نخستین فناوری است که برقراری ارتباط تعاملی در سطح عامه را میان کاربران میسر ساخته و سیستمی گسترده و جهانی است که شامل مردم، اطلاعات و کامپیوترهاست. همچنین فرهنگ رسانه‌ای با برتری رسانه‌ای اینترنتی، فراگیرترین و مسلط‌ترین فرهنگ اثرگذار در جامعه است و برای کسانی که به زندگی در این عرصه عادت کرده‌اند، بخشی از زندگی روزمره با حضور در این فضای مجازی معنا پیدا می‌کند.

2- شبکه‌های اجتماعی³

شبکه‌های اجتماعی نوعی ساختار اجتماعی به شمار می‌آیند که از گره‌های متعددی تشکیل شده‌اند که این گره‌ها می‌توانند افراد یا سازمان‌ها باشند. مهم‌تر آنکه این گره‌ها، از سوی یک یا چند نوع خاص از وابستگی به یکدیگر متصل‌اند. وابستگی‌هایی چون روابط دوستانه، هم‌شهری

¹ معینی علمداری، 1384، ص 107

² عبادی، 1383، ص 57

³ Social Networks، جعفری، و دیگران، ص 44

بودن، هموطن بودن، روابط مجازی، روابط اداری و ...¹ شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به مجازی و غیرمجازی تقسیم کرد: شبکه‌های اجتماعی غیرمجازی در واقع شبکه‌هایی هستند که توسط مجموعه‌ای از افراد و گروه‌های به هم پیوسته، در محیط اجتماعی عمل می‌کنند.

شبکه‌های اجتماعی مجازی یا شبکه اجتماعی اینترنتی، وبسایت یا مجموعه‌ای از وبسایت‌هایی است که به کاربران امکان می‌دهد علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. به عبارت دیگر، شبکه‌های اجتماعی مجازی، سایت‌هایی هستند که با استفاده از یک موتور جستجوگر و افزودن امکاناتی مانند گفت‌وگوی اینترنتی (چت)² پیام‌رسانی الکترونیک،³ انتقال تصویر، صدا و...، امکان ارتباط بیشتر کاربران را در قالب شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی فراهم می‌آورند. فیس‌بوک،⁴ توییتر،⁵ یوتیوب،⁶ پادکست⁷ از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند.⁸

امروزه گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات به گونه‌های است که در هر کجای زندگی انسان، جلوه‌های

حضور فناوری اطلاعات و ارتباطات به چشم می‌خورد. اینترنت و سرویس‌های ارائه شده در قالب آن، در عین حال که ابراز مفیدی برای کسب و تبادل اطلاعات است اما میتواند مخرب نیز باشد. پیامدهای فضای سایبر در حوزه های راهبردی، فرهنگی، اجتماعی با ذکر فرصت ها و تهدیدات، گاهی اثرگذار در شناخت سایبر به شمار می‌آید. پدیده‌هایی همچون بازیگری و تغییر هویت، گسترش و تولید ناهنجاری اخلاقی، انزوای واقعی، رفتار اجتماعی شبکه‌های، تغییر سبک زندگی، اعتیاد به فضای مجازی و زندگی دوم، تاثیر بر بنیان خانواده، ترویج بیدینی، نقض حریم خصوصی و .. از پیامدهای فضای سایبر محسوب میشود. هدف نهایی این پژوهش، کشف ابداع و تبیین توصیه‌ها و سیاست‌هایی مؤثر، برای کاهش پیامدهای نامطلوب فضای سایبر و بهره‌گیری شایسته از فرصت‌های پدید آمده از فضای سایبر است.

فضای سایبری نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی است که با اینکه عمر خیلی زیادی ندارد، به خوبی توانسته در زندگی مردم در سنین مختلف جا باز کند. مردم از

¹ حبیبی، 1391، ص 70

² Chat

³ Email

⁴ Face book

⁵ ویبتر هم یک سرویس به اصطلاح میکرو بلاگینگ است که با شعار «چه کار می‌کنید؟» در مارس 2006 پا به عرصه وجود گذاشت. هدف اصلی توییتر فراهم کردن این امکان بود که کاربران اینترنت بتوانند در هر لحظه و به سادگی، اتفاقاتی را که در اطرافشان در حال وقوع است، در فضای مجازی منتشر کنند

⁶ YouTube: یوتیوب، یکی از مهم‌ترین سایت‌های وب نسل دوم و معروف‌ترین سایت به اشتراک‌گذاری ویدئو است. یوتیوب را چاد هرلی، استیون چن و جواد کریم به وجود آوردند که هر سه از کارمندان شرکت Pya Pal بودند. دامنه یوتیوب دقیقاً در 15 فوریه 2005

ثبت شد و سایت به تدریج در ماه‌های بعد راه‌اندازی شد. شش ماه بعد در ماه مه 2005 سایت به طور رسمی و عمومی افتتاح شد.

⁷ Pod cast: پادکست‌ها فایل‌های صوتی یا تصویری هستند که در اینترنت منتشر می‌شوند و کاربران می‌توانند در آنها مشترک شوند. این واژه، از هم‌آمیزی واژه‌های I pod (آی‌پاد) و broadcasting (پخش) پدید آمده است. هر چند عده‌ای نیز پادکست را سرواژ کلمات Demand Narrowcasting Personal On می‌دانند که واژه Narrowcasting به معنی ارسال محدود در مقابل Broadcasting به معنی ارسال کلان به کار رفته است. واژه نامه جدید امریکایی آکسفورد واژه پادکست را برترین واژه سال نامیده است. <http://fa.wikipedia.org/wiki>

⁸ جعفری و دیگران، 1391، ص 44

گروه‌های اجتماعی متفاوت در فضای مجازی گردهم آمده‌اند و بدون محدودیت هر لحظه در هر کجا که باشند می‌تواند با هر نقطه‌ای از جهان که بخواهند ارتباط برقرار کند و این امر به مرور میزان کنترل خانواده‌ها و مدارس آموخته‌های نسل جدید و نیز کیفیت و جهت‌گیریهای آموزشی و تربیتی خانواده‌ها، مدارس و جامعه را متأثر ساخته است. بنابراین لازمه تعادل در این محیط‌های مجازی برخورداری از یکسری مهارت‌های فنی و فناوری است. اینترنت و سرویس‌های ارائه شده در قالب آن، در عین حال که ابزار مفیدی برای کسب و تبادل اطلاعات است اما می‌تواند مخرب نیز باشد، به بیان دیگر، اینترنت ابزار قدرتمندی است که هم می‌تواند باعث فساد گردد و هم ابزار آموزش و تعلیم و رشد علمی، فرهنگی و اجتماعی نوجوانان را فراهم آورد. در نتیجه بررسی مسائل مربوط به این شبکه‌ها جهت اتخاذ تصمیمات صحیح و برنامه ریزی دقیق توسط مسئولان فرهنگی و اجتماعی و نیز والدین ضروری است. حال با توجه به این مقدمه این سؤال مطرح میشود که تأثیرات فضای مجازی چیست و چگونه میتوان از تأثیرات زیانبار آن پیشگیری نمود.

با توجه به اهمیت فضای مجازی در توسعه جوامع در جامعه ما نیز در سالهای اخیر به فناوری اطلاعات ارتباطات توجه زیادی شده است ولی در این رابطه آسیب‌های جدی وجود دارد که ضروری است به ریشه‌یابی آن پرداخت. کشور ما از نظر بهره‌مندی از اینترنت در بین 187 کشور جهان رتبه 87 دارد که 35 درصد استفاده‌کنندگان اینترنت را قشر جوان تشکیل میدهند و میانگین مصرف

شده برای اینترنت 52 دقیقه در هفته¹ شبکه‌های دوست‌یابی در کشور ما در میان جوانان رتبه سوم در این شبکه‌ها کسب کرده‌اند.² فرهنگ رسانه ای اینترنت، فضای ذهنی جوانان را اشتغال کرده و از آن مهمتر، نمایانگر نقش خانواده در کنار این ابررسانه است که والدین روی فرزندان خود تا چه حد کنترل تربیتی و نظارت اخلاقی دارند.

بروز آسیب‌های نوظهور میتواند زمینه‌ساز نوع جدیدی از آسیب‌های اجتماعی و روانی باشد، به همین دلیل، برنامه ریزی برای شناسایی، پیشگیری و کاهش آسیب‌های نوظهور لازم و ضروری است. در این مقاله سعی شده است به آسیب‌های مرتبط با اینترنت به ویژه عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی پرداخته و برای رفع این گونه معضلات پیشنهاداتی ارائه میگردد.

مبانی نظری در مورد تأثیرات فضای مجازی و تربیت اسلامی یکی از بزرگترین مسائل اجتماعی که جوامع امروزی به آن مبتلا هستند، ضعف بنیاد خانواده است. از آنجایی که مشکلات خانواده به صورت نابهنجاری اجتماعی بروز میکند، خانواده و سلامت آن از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار هستند. صرف نظر از آمار و ارقام بالا و روزافزونی که در مسائلی مانند بالا رفتن سن ازدواج - طلاق - فرار از منزل، فحشا و سایر مسائل خانوادگی وجود دارد، سرد شدن ارتباطات عاطفی، نارضایتیها از زندگی خانوادگی است که باعث ناکامی و شکستهای بزرگی در زندگی جوانان شده است. اینها نشان از مشکلات عمیقی در سطح خانواده دارد که به نوعی باید ریشه‌یابی و درمان

1. صادقیان، تأثیر اینترنت بر کودکان و نوجوانان، ص 24

2. ستارزاده، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد به اینترنت و پیامدهای آن، ص 9

ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها

اسلام برای خانواده، قداست و منزلت ویژه‌ای قائل است؛ به گونه‌ای که هیچ بنا و نهادی با آن قابل مقایسه نیست. پیامبر -صلی الله علیه و آله و سلم- در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيَّ الْحَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ؛ خداوند انسان با حیای بردبار پاک‌دامنی را که پاک‌دامنی می‌ورزد، دوست دارد»^۱.

همچنین حضرت علی -علیه السلام- می‌فرماید:

«اهل العفاف اشرف الاشراف؛^۲ انسان‌های عفیف با شرافت‌ترین افراد شریف هستند».

اما متأسفانه در شبکه‌های اجتماعی به طور غیرمستقیم مورد هجومه واقع شده است. حیازدایی و از بین بردن قبح رابطه با نامحرم و فراهم آوردن فضای آلوده، افزون بر مشکلات و آسیب‌هایی که به آنها اشاره شد، آسیب‌های دیگری را هم برای کاربران و خانواده‌ها در پی دارد. ازهم‌پاشیدگی بنیان خانواده‌ها به دنبال ایجاد روابط نامناسب از پی‌آمدهای منفی استفاده در این شبکه‌هاست. البته این مسئله اختصاصی به ایران ندارد. نتایج مطالعه‌ای در انگلستان نشان می‌دهد، حدود یک سوم طلاق‌ها در این کشور با شبکه اجتماعی فیس‌بوک در ارتباط است. وکلای طلاق در امریکا، بر این باورند که فیس‌بوک روز به روز به عامل اثرگذاری در فروپاشی ازدواج‌ها تبدیل می‌شود. کی‌جیسون و کلی کرف‌اسکای، در کتاب «فیس‌بوک و ازدواج‌تان» به تأثیر فیس‌بوک در نابودی ازدواج‌ها هشدار می‌دهند. این دو در وبلاگ خود می‌نویسند:

یکی از زمینه‌های اصلی در بروز مشکلات خانوادگی و اصولاً نارضایتی از زندگی مشترک، فضای مجازی است که تحت تأثیر تولیدات رسانه‌ای به وجود آمده و باعث شده تا سطح توقع و ارضاء از زندگیهای مشترک را به ویژه در میان نسل جوان بالا ببرد. تحت تأثیر این فضا، آنچه جوان باید از زندگی مشترک انتظار داشته باشد. به نوعی تحریف میشود و لذت و صمیمیتی که از برنامه‌ها و محتویات رسانه‌ها، مانند فیلمها و سریالها در اذهان جوانان نقش می‌بندد تا حد بسیار زیادی در زندگی طبیعی قابل دستیابی نخواهد بود و این میتواند تبعات زیانباری برای آینده جوانان به همراه داشته باشد.

ب- شبکه‌های اجتماعی و آسیبهای

خانوادگی

در کنار تأثیر مثبتی که شبکه‌های اجتماعی بر کاهش دادن فاصله‌ها و رشد اطلاع‌رسانی داشته‌اند، از سوی دیگر مشاهده میشود که موجب کاهش ارتباط رودررو و فیزیکی انسانها نیز شده‌اند. مطالعات حاکی از آن است که کاربران شبکه‌های اجتماعی کمتر به دیدار دوستان و بستگان خود می‌روند و به جای آن به صورت برخط و یا با گذاشتن پیام با آنها ارتباط برقرار میکنند، کمتر با اعضای خانواده خود صحبت میکنند و همچنین هنگامی که در کنار اعضای خانواده خود هستند کارها و فعالیت‌های شخصی خود را در شبکه‌های اجتماعی پیگیری میکنند. به این ترتیب شبکه‌های اجتماعی تغییرات بنیادین در سبک زندگی و فرهنگ جوامع مختلف ایجاد میکنند و توانسته‌اند بر الگوی روابط خانوادگی افراد تأثیر بگذارند.

^۲. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 6، ص 369

^۱. کلینی، کافی، ج 2، ص 112، ح 8

«مردم سریع‌تر از آن که عقل سلیمشان بخواهد تصمیم بگیرد، تاپ می‌کنند و دکمه ارسال را کلیک می‌کنند و بیشتر درگیر احساسات آنی خود هستند تا بررسی عاقلانه کاری که انجام می‌دهند.»¹

1- آسیب‌ها در حوزه روابط همسران

برخی محققان اظهار داشته‌اند که شبکه‌های اجتماعی تأثیر نسبتاً زیادی بر آمارهای طلاق داشته‌اند. نسبت‌های طلاق رو به افزایش است و شواهدی در دست است که نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و مای اسپیس زمینه‌هایی برای عدم پابندی به ازدواج فراهم آورده‌اند و به آمارهای بالاتر طلاق راه می‌برند. برخی معتقدند که وابستگی به شبکه‌های اجتماعی، آسیب‌هایی نظیر ازدواج اینترنتی، طلاق و ازهم‌پاشیدگی خانواده را در کشورهای مختلف جهان از جمله آمریکا و انگلیس به گونه‌ی چشمگیری افزایش داده است. آمارها در ایالات متحده نشان می‌دهد که در سال 2011 حداقل یک زوج از هر پنجاه زوج متاهل، آشنایشان از طریق پایگاه‌های شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته است؛ در عین حال چهار مورد از هر پنج مورد وکلای مشاور در امور طلاق در آمریکا نیز گفته‌اند که شاهد افزایش در موارد طلاق مرتبط با شبکه‌های اجتماعی بوده‌اند. علاوه بر این، سایت‌های شبکه‌های اجتماعی پیش‌گفته، همسران ناخشنود را وسوسه می‌کند تا در جستجوی افراد دیگری (نظیر دوستان، هم‌کلاسیه‌های سابق، دوستان صمیمی دوران کودکی، یا دوستان جدید) برآیند که بالقوه زمینه‌ی خیانت به همسران کنونی افراد را فراهم و بر ضد نهاد خانواده عمل می‌کند.²

2- آسیب‌ها در حوزه روابط والدین و

فرزندان

پدیده شبکه‌های اجتماعی، خرده فرهنگ نوجوانان و جوانان را تحت تأثیر خود قرار داده است و در عین حال موجب بروز نگرانی‌هایی در میان والدینی شده است که به واسطه نداشتن سواد رسانه‌ای مدرن، از دنیای نسل جوان دور افتاده‌اند. این در حالی است که با توجه به گسترش روزافزون شکاف نسلی در شرایط عدم امکان گفتگو یا مفاهمه با نسل جدید، نگاه و نگرش منفی در میان والدین به رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی شدت می‌یابد. شبکه‌های اجتماعی شیوه تعامل فرزندان با والدین را نیز دگرگون کرده است. بر اساس تحقیقاتی که پیرامون رابطه فرزندان و والدین آنها در فیس‌بوک انجام شده است، در حالی که در سنین سیزده تا هفده سالگی، 65 درصد نوجوانان برای والدین خود درخواست دوستی ارسال می‌کنند، در سنین بالاتر، این میزان به 40 درصد کاهش پیدا می‌کند. همچنین در ارسال نظر معمولاً این والدین هستند که ارتباط را آغاز می‌کنند و این رابطه یکسویه با افزایش سن فرزندان افزایش پیدا می‌کند. با وجود محدودیت‌های سنی برای دسترسی به برخی امکانات شبکه‌های اجتماعی، کودکان و نوجوانان با انتخاب سن‌های بالاتر در شبکه‌های اجتماعی ثبت نام کرده و فعالیت می‌کنند، بدین ترتیب کودکان وارد دنیایی میشوند که پیش از این بزرگترها نیز تجربه زندگی در آن را نداشته‌اند.

². ساعی، نظری مقدم، تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی (با تأکید بر سلامت اجتماعی)، ص 11

¹. Divorce-online

3- اشاعه فساد و بی بندوباری

وجود فضای بی بندوباری و دوری از حیا و عفت، یکی از ویژگی‌های برخی شبکه‌های اجتماعی مجازی است. بدیهی است، وجود این پدیده که در فرهنگ غیر اسلامی کشورهای غربی امری رایج و متداول است، خط قرمز فرهنگ ماست.¹ خداوند میفرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»؛ به مردان با ایمان بگو، دیده فرو نهند و پاک‌دامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا آنچه می‌کنند، آگاه است.» «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُنَاتِهِنَّ أَوْ بُنَاتِئِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ و به زنان با ایمان بگو، دیدگان خود را از هر نامحرمی فرو ببندند و پاک‌دامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند، مگر آنچه طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر گردن خویش فرو اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان با پدرانشان یا پدران شوهرشان یا پسرانشان شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرشان یا پسران خواهرشان یا زنان هم‌کیش خود با کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که از زن بی‌نیازند با کودکانی که بر عورت‌های زنان و قول حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند و پاهای خود را به گونه‌ای به زمین نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند، معلوم گردد. ای

مؤمنان، همگی از مرد و زن به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید.²

همچنین میفرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمن بگو: پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند به احتیاط نزدیک‌تر است و خدا آمرزنده و مهربان است.³

و ترویج آن، آثار ویرانگر و سوئی در نسل جوان و به دنبال آن در جامعه خواهد داشت. برای مثال، در نوشته‌های آموزشی - تبلیغاتی «فیس‌بوک»، نمونه عکس‌های نامناسب و شخصی از افراد مختلف نمایش داده می‌شود تا کاربران به درج تصاویر خود در این شبکه اجتماعی تشویق شوند. فعالیت بدون محدودیت برای گروه‌های ضد اخلاقی، مانند هم‌جنس‌گراها و مروجان انواع روابط نامشروع، بخش دیگری از مصادیق فساد و بی بندوباری است. گاهی عوامل جرم و فساد و فحشا و باندهای منحرف که با سوءاستفاده از این شبکه‌ها درصدد گسترش فساد هستند، با ظاهری فریبنده خود را در معرض دوستی با افراد آسیب‌پذیر قرار می‌دهند، ساده‌انگاری برخی کاربران جوان، آسیب‌ها و خطرهای جدی را به دنبال خواهد داشت. همچنین به دلیل آزادی مطلق و بی‌حد و حصر کاربران، گاهی در این شبکه‌ها تصاویر مستهجن به نمایش گذاشته می‌شود. برای مثال، افرادی در «فیس‌بوک» و «بلاگ اسپارت» با به نمایش گذاردن بدن برهنه خود قصد اعلام اعتراض خود علیه حجاب را داشتند.

³ سوره احزاب (33)، آیه 59؛ مکارم شیرازی، همان کتاب، ج 17،

¹ تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح 10؛ حرعاملی، وسائل

² سوره نور (24)، آیه 30-31؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 14،

این چنین صفحاتی به راحتی در فضاهای مجازی برای همه کاربران قابل تماشاست. آنچه حساسیت مسئله را دوچندان می‌کند، این است که در حال حاضر در بین کاربران بیشترین استفاده‌کنندگان جوانان 18 تا 25 سال هستند. بی‌تردید، مشاهده این محتوای حریم‌شکنانه آثار زیان‌باری برای جوانان خواهد داشت. جوانان و نوجوانان، به دلیل حس کنجکاوی، علاقه‌مندی به شناخت چیزهای جدید، عشق، جذابیت، کمی تجربه، اقتضای سنی و آسیب‌پذیری، مهم‌ترین ابزار در دست این شبکه‌ها هستند.

در آغاز فراخوان پیامبر، یک یا چند نفر شایعه‌ساحر، کاهن و شاعر بودن را ساختند و دیگران با شنیدن این شایعات آنها را به سرعت میان مردم پخش کردند. این شایعات به گونه‌ای رواج یافت که کفرپیشگان خود نیز باور کردند و پیامبر را ساحر، شاعر و مجنون خواندند و قرآن را سحر، شعر و اباطیل معرفی کردند: «وَقَالَ الْكَاْفِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ»^۱؛ «بَلْ هُوَ شَاعِرٌ»^۲؛ «إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ»^۳؛ «وَيَقُولُونَ أَأَنَّا لِنَارِكُوا آلِهَتَنَا لَشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ»^۴ که قرآن کریم به شدت از آن نهی کرده است.

4- اعتیاد به شبکه‌های مجازی

یکی از آسیب‌های اینترنت، اعتیاد به آن است به طوری که از میان 47 میلیون استفاده‌کننده از اینترنت در آمریکا 2 تا 5 میلیون دچار اعتیاد اینترنتی شده‌اند و با معضلات زیادی گریبانگیر هستند.^۵ در جامعه ما نیز با گسترش روزافزون اینترنت شاهد این مسأله هستیم. نتیجه

تحقیقات انجام شده در کشور نشان می‌دهد که بیشترین استفاده‌کنندگان از اینترنت دختران و زنان و پسران جوان هستند و 35 درصد از آنها به خاطر حضور در چت روم، 28 درصد برای بازیهای اینترنتی، 30 درصد به منظور چک کردن پست الکترونیکی و 25 درصد نیز به دلیل جستجو، در شبکه جهانی هستند.^۶

اعتیاد به اینترنت می‌تواند مشکلات جدی تحصیلی و خانوادگی برای مخاطبان به وجود آورد. اگر استفاده‌کنندگان از اینترنت نتوانند به مدت یک ماه دوری از اینترنت را تحمل کنند در معرض خطر اعتیاد به آن قرار دارند. متأسفانه ما شاهد این پدیده در میان جوانان هستیم، به طوری که برخی، شبها را تا صبح با اینترنت می‌گذرانند و تمام صبح را خواب هستند و این مسأله آغازگر آسیب‌های متعدد دیگر نیز میشود. از جمله این آسیب‌ها میتوان به آسیب‌های خانوادگی، ارتباطی، عاطفی، روانی، جسمی و اقتصادی اشاره کرد.

اگر بپذیریم که هر چیزی میتواند جنبه اعتیادآور و بیمارگونه به خود بگیرد، در این صورت کاملاً منطقی خواهد بود که از اعتیاد به شبکه‌های مجازی سخن بگوییم. وابستگی روزافزون مخاطبان به شبکه‌های اجتماعی و صرف کردن زمانهای طولانی برای انتشار پست، بازنشر پستهای سایرین، لایک کردن و امتحان کردن سایر قابلیت‌هایی که شبکه‌های اجتماعی در اختیار آنها قرار میدهند، نوعی از اعتیاد اینترنتی^۷ به نام اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی^۸ را به وجود آورده است. اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی پیامدهای

^۵. اکبری، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص 158

^۶. بیابانگرد، 1378، ص 35

^۷. internet addiction

^۸. social media addiction

^۱. سوره ص (38)، آیه 4

^۲. سوره انبیاء (21)، آیه 5

^۳. سوره حجر (15)، آیه 6

^۴. سوره صافات (37)، آیه 36

1. دگرگونیهای شدید در سبک زندگی به منظور گذراندن زمان بیشتری در شبکه؛
2. کاهش کلی فعالیتهای بدنی؛
3. بی توجهی به سلامت فردی و در نتیجه، پرداختن به سرگرمیهای اینترنتی؛
4. دور شدن از فعالیتهای مهم زندگی؛
5. کمبود خواب و یا تغییر الگوهای خواب، برای گذراندن زمان بیشتری در شبکه؛
6. کاهش معاشرت و در نتیجه، از دست دادن دوستان؛
7. غفلت از خانواده؛
8. بی توجهی به مسئولیتهای شغلی و شخصی.

5- افسردگی و انزوای اجتماعی

اساساً یکی از کاربردهای اصلی شبکه های مجازی، برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران است. با این حال بسیاری از گزارشها حاکی از آن است که شیوه های گوناگون ارتباط از طریق اینترنت، در پایین ترین سطح کیفی قرار میگیرند.³ ارتباط در فضای مجازی، عموماً بر متن استوار است و بنابراین، از نشانه های بصری و شنیداری در تعاملهای رودررو بی بهره است. بسیاری از روان شناسان این نگرانی را داشته اند که آسانی ارتباطهای اینترنتی، چه بسا افراد را وادارد تا زمان بیشتری را به تنهایی بگذرانند؛ به صورت بر خط با غریبه ها صحبت کنند و ارتباط سطحی برقرار سازند و این کارها را به قیمت از دست دادن گفتگوهای رودررو و ارتباط های فامیلی و دوستانه انجام دهند. پژوهشگران در پژوهشی

روحي متفاوتی برای کاربران دارد، افسردگی، خجالتی شدن، گوشه گیری و تمایل به دوری از اجتماع و کاهش اعتماد به نفس از جمله این عوارض است.

نبود روابط پایدار و صمیمی با دیگران، نداشتن اعتماد به نفس و به طور کلی، شکست در عرصه های گوناگون زندگی، زمینه را برای اعتیاد افراد به اینترنت فراهم می کند. نتایج پژوهش یانگ (1997م.) در این زمینه نشان داد که یکی از دلایل مهم اعتیاد به اینترنت در افرادی که روابط عمومی کمتری دارند، به دست آوردن حمایتهای اجتماعی است. حمایت اجتماعی با ارتباطهای اینترنتی زودتر و آسان تر به دست میآید. با ورود به شبکه های اجتماعی و به ویژه «تاقهای گپ» نوعی آشنایی و همدلی یا همدردی میان کاربران، پدید می آید که دارای ارزش ها، معیارها، زبان، نشانه ها و نوآوریهای ویژه ای است و همگان با این هنجارها همنوایی میکنند. در این فضا، بسیاری از اطلاعات شخصی، میان افراد رد و بدل میشود، بدون اینکه احساس ترس، طرد شدن و در معرض داوری بودن وجود داشته باشد. ایجاد این نوع ارتباط، در پیدایش احساس حمایت اجتماعی موثر است.¹

برخی پژوهشگران اعتیاد به اینترنت را یکی از آسیبهای روان شناختی بسیار زیانبخش میدانند که کنش گری بهنجار و سلامت روانی فرد را در جنبه های مختلف مختل میکند.² شماری از پیامدهای منفی اعتیاد به شبکه های اینترنتی بر اساس یافته های گلدبرگ عبارتند از:

³. احمدنیا، بررسی جامعه شناختی تاثیرات شبکههای اجتماعی مجازی بر مناسبات خانوادگی، ص 54

¹. عقیلی، جعفری، بررسی اهداف آشکار و پنهان شبکههای اجتماعی؛ ص 24

². گروهی از نویسندگان، رسانهها و ثبات سیاسی، ص 219.

درازمدت دو ساله درباره کاربران اینترنت، به این نتیجه دست یافتند که استفاده فزاینده از اینترنت با کاهش ارتباط خانوادگی و شرکت در محافل اجتماعی محلی همراه است. افزون بر این، شرکت کنندگان در این پژوهش، به انزوای اجتماعی و افسردگی دچار شده بودند.¹

به گفته برخی صاحب نظران «واقعیت مجازی ایده آل و فضای سایبر باید توانایی این را داشته باشد که کاربر را به فراسوی واقعیت دنیای واقعی ببرد.» در نتیجه «فضای واقعی به پس زمینه رانده می شود و مجاز اهمیت می یابد.» حال آنکه تعاملات انسانی، همدردی ها و گفتگوی چهره به چهره نیازهای انسانی هستند که فقط در دنیای حقیقی حاصل می گردند. حضور در شبکه های اجتماعی مجازی، این موقعیت را فراهم میکند که افراد بتوانند به تنهایی اما در کنار هم، دست به کنشهایی بزنند که تا حد زیادی فردی است و به تنهایی صورت میگیرد، اما ضمناً به همراه دیگران و به طور دسته جمعی انجام میشود؛ بدون آنکه تنهایی هیچ کس خدشه دار شود. در واقع چنین به نظر میرسد که شبکه های اجتماعی در بسیاری از مواقع و برای این گروه از اعضایش به عنوان فضایی جمعی و محیطی برای بودن افراد در کنار هم به کار گرفته نمیشود. بلکه بیشتر، فضایی است برای پرداختن به «خود» یا دست کم، چنین فضایی را شکل میدهد و در اختیار کاربران و اعضایش قرار میدهد. شکل غالب حضور در شبکه های اجتماعی، گشت و گذار در صفحه ها و تماشا و مطالعه محتواها و واکنش به آنها (اما به تنهایی) است. به عبارت دیگر حضور در این شبکه های مجازی توسط اینگونه افراد با تنها بودن اما در کنار یکدیگر بودن

همراه است؛ نوعی تنهایی که میتوان آن را «تنهایی جمعی» نامید.

امروزه اینترنت در زندگی اجتماعی، جای دوستان و نزدیکان را گرفته و در حقیقت جایگزین روابط دوستانه و فامیلی شده است. افرادی که ساعتها وقت خود را در سایتهای اینترنتی میگذرانند بسیاری از ارزشهای اجتماعی را زیر پا مینهند. چرا که فرد دیگر فعالیتهای اجتماعی خود را کنار گذاشته و به فعالیتهای فردی روی میآورد. نتایج پژوهش شاندرز نشان داد که استفاده زیاد از اینترنت با پیوند ضعیف اجتماعی مرتبط است. برعکس کاربرانی که از اینترنت کمتر استفاده میکنند، به طور قابل ملاحظه ای با دوستانشان ارتباط بیشتری دارند.²

بررسی محققان نشان میدهد شاید هیچگاه کاربران اینترنت از افسردگی و انزوای اجتماعی خود آگاه نباشند و در صورت آگاهی آن را تأیید نکنند اما ماهیت کار با اینترنت چنان است که فرد را در خود غرق میکند. پژوهشهای انجام شده حاکی است دنیای اجتماعی در آینده دنیای منزوی باشد چرا که اینترنت با توجه به رشدی که دارد و جذابیتهای کاذبی که ایجاد میکند افراد را به خود معتاد سازد.

6- اختلالات جنسی و روابط نابهنجار

یکی از آسیبهای شایع شبکه های اجتماعی، اشاعه فحشا، بی بندوباری اخلاقی و تحریک جنسی است. مارک لاسر معتقد است در حال حاضر، اینترنت به دلیل داشتن سه ویژگی «دسترسی آسان»، «هزینه اندک» و «ناشناس ماندن کاربر»، به یکی از مهمترین منابع اشاعه هرزه نگاری تبدیل شده است. همچنین یافته های علمی نشان میدهد

¹. غفاری، شاکری، از همبستگی تا تنهایی در انسان شناسی شهری؛ شبکههای اجتماعی و زندگی شهری، ص 98

². صبوری خسروشاهی، بررسی آسیبهای اجتماعی اینترنت، ص 25

«گمنامی» و «نامرئی بودن»، دو عامل اصلی بازداری زدایی در شبکه های اجتماعی است. در بسیاری از محیطهای اینترنتی، افراد دیگر نمیتوانند شما را ببینند. نامرئی بودن این جرأت را به افراد میدهد که به جاهایی بروند و کارهایی بکنند که در خارج از اینترنت نمیکردند. افراد در اینگونه ارتباطها، نگران این نخواهند بود که از سوی دیگران تهدید شوند؛ زیرا هر کاری که انجام دهند، گمنام خواهند ماند.^۱

با نظر به همین شرایط آزاد و بیقید و شرط در اینترنت، به تازگی شاهد شکلگیری نوعی رابطه های عاشقانه و جنسی از طریق شبکه های مجازی هستیم که در اصطلاح از آن به «سکس مجازی» یاد میشود. سکس مجازی، موضوع جدیدی است که افراد میتوانند همدیگر را در فضای اینترنت ببینند و بدون تماس جسمانی، رابطه عاشقانه و سکسی را تجربه کنند. بیشک شکلگیری چنین شرایطی در شبکه های اجتماعی میتواند نقطه آغازی برای انقلاب دیگری در عرصه اخلاق جنسی باشد. بر اساس برخی پژوهشها، سکس مجازی میتواند به کابوسی تبدیل شود و افراد را وا دارد تا خانه و کاشانه خود را در جستجوی شخص دلخواهش رها کند. با وجود چنین شواهدی است که میتوان شبکه های مجازی را عامل ترویج انحرافهای اخلاقی در جامعه، به ویژه برای نسل جوان دانست.^۲

7- تأثیر فضای مجازی در نارضایتیهای

خانوادگی

یکی از بزرگترین مسائل اجتماعی که جوامع امروزی به آن مبتلا می باشند ضعف بنیاد خانواده است. از آنجایی که مشکلات خانواده ها به صورت ناهنجاری های اجتماعی

بروز می کند خانواده و سلامت آن از اهمیت فوق العاده ای برخوردار می باشد. آماده کردن فرزندان برای پذیرش مسئولیت های اجتماعی یکی از وظایف مهم و اساسی خانواده ها به شمار می رود. جوانان باید بتوانند به خصوص برای زندگی های مشترک آماده شوند و سعی نمایند روابط خود را با پیرامون شان در حد متعارف و قابل قبولی تنظیم نمایند.

صرف نظر از آمار و ارقام بالا و روز افزونی که در مسایلی مانند بالا رفتن سن ازدواج، طلاق، فرار از منزل، فحشا و سایر مسایل خانوادگی وجود دارد، سرد شدن ارتباطات عاطفی و نارضایتیها از زندگی خانوادگی است که باعث ناکامیها و شکستهای بزرگی در زندگی جوانان شده است. اینها نشان از مشکلات عمیقی در سطح خانواده دارد که به نوعی باید ریشه یابی و درمان شوند. یکی از زمینه های اصلی در بروز مشکلات خانوادگی و اصولاً نارضایتی از زندگی مشترک، فضای مجازی است که تحت تأثیر تولیدات رسانه ای بوجود آمده و باعث آن گردیده تا سطح توقع و ارضاء از زندگیهای مشترک را به خصوص در میان نسل جوان بالا ببرد. تحت تأثیر این فضا آنچه جوان باید از زندگی مشترک انتظار داشته باشد به نوعی تحریف میشود. لذت و صمیمیتی که از برنامه ها و محتویات رسانه ها مانند فیلمها و سریالها در اذهان جوانان نقش میبندد تا حد بسیار زیادی در زندگی طبیعی قابل دستیابی نخواهند بود و این میتواند تبعات زاینباری برای آینده جوانان به همراه داشته باشد.

^۱ بروجنی، اسماعیلی، هاشمی گلپایگانی، چالشهای امنیتی و راهکارهای مقابله با آن در شبکههای اجتماعی، ص 24

^۲ فروزان، ظهور شبکههای اجتماعی مجازی و تأثیر آن بر تغییرات رفتاری در زندگی انسان، ص 59

8- روابط آزاد بین افراد نامحرم، حیازدایی

و نقض احکام شرعی

شبکه‌های اجتماعی به اقتضای ویژگی خود، برای کاربرانشان فضایی را به وجود می‌آورند که کاربر آزادانه و بدون قید و بندی با دیگر کاربران ارتباط برقرار می‌کند که از آن به فرآیند «دوست‌یابی» یاد می‌شود. بر اساس عرف جامعه ارزشی ما که مبتنی بر احکام دینی است، روابط پسر و دختر و مرد و زن نامحرم در محدوده‌های مشخصی تعریف و تعیین شده است. متأسفانه فضای سایت‌های دوست‌یابی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، به نقض این احکام و شکسته شدن قبح ارتباط خارج از شرع و عرف با نامحرم و عادی شدن روابط دختر و پسر می‌انجامد که با ارزش‌های اسلامی ایرانی هم‌خوانی ندارد. به علاوه در چنین فضایی، نظارت، همچون نظارت دنیای واقعی وجود ندارد و جوانان با ورود به آن به راحتی می‌توانند با تعداد زیادی از غیر هم‌جنسان خود ارتباط داشته باشند؛ ارتباطی که به دلیل نبود هیچ قانون خاص و نیروی کنترل‌کننده‌ای، شکل و هویت تازه‌ای به خود می‌گیرد که در دنیای واقعی، به دلایلی همچون ترس از آبرو، خانواده، جامعه و تقیدات دینی، امکان شکل‌گیری آن در این حد وجود ندارد. این نوع ارتباط که در شبکه‌های مجازی به سادگی رخ می‌دهد، رفته رفته بر سبک روابط افراد در دنیای واقعی نیز اثر می‌گذارد و سرانجام به حساسیت‌زدایی و روابط گسترده و آزاد با جنس مخالف و حیازدایی در بین کاربران، به ویژه کاربران دختر در دنیای واقعی می‌انجامد، چیزی که در آموزه‌های اسلامی و عرف ایرانی به شدت از آن نهی شده است. متأسفانه گاهی دیده می‌شود، برخی

کاربران دختر ایرانی به راحتی آلبوم عکس‌های نامناسب خود را با دیگر کاربران به اشتراک می‌گذارند تا درباره آن نظر دهند. نکته قابل توجه این است که این فرآیند به تدریج و با گذشت زمان روی می‌دهد. تجربه نشان داده، برخی کاربران در فیس‌بوک، نخست از عکس‌های ساده خود استفاده کرده‌اند، اما پس از گذشت مدتی، عکس‌هایی با پوشش کمتر، در فایل شخصی‌شان قرار داده‌اند. این روند برای برخی تا جایی پیش می‌رود که به برداشتن کل حجاب یا نمایش عکس‌های مبتذل می‌انجامد. در واقع، قبح حریم‌شکنی و نقض حدود و احکام شرعی و دینی، به تدریج در افراد از بین می‌رود.¹

9- بحران هویت و اختلال در شکلگیری

شخصیت

عناصر سه گانه هویت، یعنی: شخص، فرهنگ و جامعه، هر یک در تکوین شخصیت فرد نقش مهمی را ایفا می‌کنند. هویت شخصی، ویژگی بی‌همتای فرد را تشکیل می‌دهد. هویت اجتماعی در پیوند با گروه‌ها و اجتماعات مختلف قرار گرفته و شکلگیری آن، متأثر از ایشان است. و در نهایت، هویت فرهنگی، برگرفته از باورهایی است که در عمق وجود فرد به واسطه تعامل او با محیط پیرامون و آموزه‌های آن، از بدو تولد تا کهنسالی جای گرفته است. از آن جا که فضای سایبری، صحنه‌ای فرهنگی و اجتماعی است که فرد خود را در موقعیت‌های متنوع، نقش‌ها و سبک‌های زندگی قرار می‌دهد، خود زمینه‌ای است برای آسیب‌پذیری شخصیت کاربر که در نتیجه، موجب چند شخصیتی شدن کاربر خواهد شد. در فضای سایبر بیش از

¹ افراسیابی، مطالعات شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی جوانان،

آن که هویت ظاهری فرد مطرح گردد، درون مایه‌های افراد بروز می‌کند. هر کس در صدد بیان اندیشه‌ها و علاقه‌های خود می‌نویسد، هویت شخصی و مشخصات فردی در اینترنت موجب تقویت شخصیت‌های چندگانه و رشد و استحکام آن می‌گردد. جوانان در این محیط از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند و به ویژه در دورانی که هویت آنان شکل می‌گیرد، این خطر پررنگتر می‌شود.

با امکانات و گزینه‌های فراوانی که رسانه‌های عمومی از جمله اینترنت در اختیار جوانان می‌گذارند، آنان دائماً با محرک‌های جدید و انواع مختلف رفتار آشنا می‌شوند. چنین فضایی هویت نامشخص و پیوسته متحولی را می‌آفریند، یعنی اینترنت یک صحنه اجتماعی است که فرد را در موقعیتهای متنوع نقشها و سبکهای زندگی، قرار میدهد و از آن تأثیر می‌پذیرد.^۱

واقعیت این است که از نظر صاحب‌نظران جامعه‌شناسی، شکلگیری هویت افراد تحت تأثیر منابع گوناگونی است. عمده‌ترین این منابع خانواده، رسانه‌های گروهی، مدرسه و گروه همسالان است. از این میان رسانه‌های گروهی با توجه به گستره نفوذ و فراگیری آن اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند. گسترش تلویزیونهای ماهواره‌ای موجب شده است شکل‌گیری نظام شخصی و هویت افراد تحت تأثیر عوامل متعدد و گاه متعارض قرار گیرد.^۲

10- تعارض ارزشها

تغییرات تکنولوژیکی ارزشها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده است. یکی از چالشهای فرا روی

فرهنگها برخورد با این پدیده است. چون اساساً ورود اینترنت همراه با ارزشهای غربی، چالشهای جدیدی را در کشورهای دیگر به وجود آورده است. از آنجایی که برخی از عناصر موجود در این پدیده مغایر با فرهنگ خودی (ارزش‌های اسلامی- ایرانی) است، پس میتوان گفت اینترنت میتواند آسیبهای زیادی را به همراه داشته باشد. مثلاً ورود اینترنت در حوزه خانواده موجب تغییر نظام ارزشی در خانواده‌ها میشود. در یک مطالعه تجربی نشان داده شد که استفاده زنان از اینترنت موجب کاهش ارزشهای خانواده شده است.^۳

11- شکاف نسلیها

اینترنت شکاف میان نسلیها را بیشتر کرده است و اکنون شکاف میان نسل دوم و سوم علاقمند به اینترنت نیز آشکار شده، به گونه‌ای که هیچ یک زبان دیگری را نمی‌فهمند. امروزه با ورود وسایل و تکنولوژی‌های جدید به عرصه خانواده‌ها شاهد این هستیم که والدین و فرزندان ساعت‌های متمادی در کنار یکدیگر می‌نشینند، بدون آنکه حرفی برای گفتن داشته باشند. ما دیگر کمتر نشانه‌هایی از آن نوع خانواده‌هایی را داریم که والدین و فرزندان دور هم نشسته و درباره موضوعات مختلف خانوادگی و کاری با هم گفتگو کرده و نظرات همدیگر را راجع به موضوعات مختلف جویا شوند. در شرایط فعلی روابط موجود میان والدین و فرزندان به سردی گرائیده و دو نسل به دلیل داشتن تفاوت‌های اجتماعی و تجربه‌های زیسته مختلف زندگی را از دیدگاه خود نگریسته و مطابق با بینش خود آن را تفسیر می‌کنند. نسل دیروز (والدین) احساس دانایی و با تجربگی می‌کند و نسل امروز (فرزندان) که خواهان تطابق با

^۳. زنجانی‌زاده، بررسی تأثیر اینترنت بر ارزشهای خانواده، ص 15

^۱. اکبری، همان کتاب، ص 162

^۲. صبوری خسروشاهی، همان کتاب، ص 25

پیشرفت‌های روز است، در برابر آنها واکنش نشان می‌دهد و چون از پس منطق و نصیحت‌های ریشه‌دار و سرشار از تجربه آنها بر نمی‌آید به لجبازی روی می‌آورد.¹

امروزه سرعت تکنولوژی شکاف بین نسل فرزندان و والدینشان را بسط داده است. براساس اظهارات معاون سازمان بهزیستی کشور میزان گفتگو در بین اعضای خانواده در کشور تنها حدود 30 دقیقه است که این می‌تواند آسیب‌زا باشد. فرزندان در مقایسه با والدین با وجود اینکه در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوتی دارند، عوامل متعددی بر این پدیده تأثیرگذارند و این شکاف را روز به روز بیشتر می‌کنند. سرعت تحولات و بسط ارتباطات با جهان توسعه‌یافته، توجه بیشتر جوانان به برنامه‌های جهانی‌شدن فرهنگ، رسانه‌ها، گسترش روزافزون انجمن‌ها و کانون‌هایی غیر از کانون خانواده برای پیوستن و تعلق یافتن جوانان به آن‌ها و غیره از آن جمله است.²

نتیجه‌گیری

از تحقیق در زمینه آسیب‌های فضای مجازی در زنان نتایج ذیل حاصل گردید:

اینترنت، شبکه گسترده جهانی است که شبکه‌های مختلف رایانه‌ای در اندازه‌های متعدد و حتی رایانه‌های شخصی را با استفاده از سخت‌افزار و نرم‌افزارهای گوناگون و با قراردادهای ارتباطی به یکدیگر متصل می‌کند. همچنین شبکه‌های اجتماعی نوعی ساختار اجتماعی به شمار می‌آیند که از گره‌های متعددی تشکیل شده‌اند. در کنار تأثیر مثبتی که شبکه‌های اجتماعی بر کاهش دادن فاصله‌ها و رشد اطلاع‌رسانی داشته‌اند، شبکه‌های اجتماعی تأثیر نسبتاً

زیادی بر آمارهای طلاق داشته‌اند. شبکه‌های اجتماعی شیوه تعامل فرزندان با والدین را نیز دگرگون کرده است. فرهنگ حاکم بر اینترنت، پیامدهای منفی بر سلامت روان و رفتار انسانها دارد. از هم‌پاشیدگی بنیان خانواده‌ها به دنبال ایجاد روابط نامناسب از پیامدهای منفی استفاده در این شبکه‌هاست. وجود فضای بی‌بندوباری و دوری از حیا و عفت، یکی از ویژگی‌های برخی شبکه‌های اجتماعی مجازی است. فضای سایت‌های دوست‌یابی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، به نقض این احکام و شکسته شدن قبح ارتباط خارج از شرع و عرف با نامحرم و عادی شدن روابط دختر و پسر می‌انجامد که با ارزش‌های اسلامی ایرانی هم‌خوانی ندارد.

اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی پیامدهای روحی متفاوتی برای کاربران دارد، افسردگی، خجالتی شدن، گوشه‌گیری و تمایل به دوری از اجتماع و کاهش اعتماد به نفس از جمله این عوارض است. استفاده فزاینده از اینترنت با کاهش ارتباط خانوادگی و شرکت در محافل اجتماعی محلی همراه است. یکی از آسیب‌های شایع شبکه‌های اجتماعی، اشاعه فحشا، بی‌بندوباری اخلاقی و تحریک جنسی است. از بزرگترین مسائل اجتماعی که جوامع امروزی به آن مبتلا می‌باشند ضعف بنیاد خانواده است. یکی از آسیب‌های اینترنت، اعتیاد به آن است که میتواند مشکلات جدی تحصیلی و خانوادگی برای مخاطبان به وجود آورد. از آن جا که فضای سایبری، صحنه‌های فرهنگی و اجتماعی است که فرد خود را در موقعیت‌های متنوع، نقش‌ها و سبک‌های زندگی قرار می‌دهد، خود زمینه‌ای است برای آسیب‌پذیری شخصیت کاربر که در نتیجه، موجب چند شخصیتی شدن کاربر

². همان، ص 19

¹. رحیمی، عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی، ص 19

خواهد شد. تغییرات تکنولوژی یکی ارزشها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده است. اینترنت شکاف میان نسلها را بیشتر کرده است و اکنون شکاف میان نسل

دوم و سوم علاقمند به اینترنت نیز آشکار شده، و استفاده زیاد از اینترنت با پیوند ضعیف اجتماعی مرتبط است.

۱

فهرست منابع

* قرآن

منابع فارسی

- 1- افراسیابی، محمدصادق، مطالعات شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی جوانان، تهران: سیمای شرق، 1392 ه.ش.
- 2- اکبری، ابوالقاسم؛ اکبری، مینا، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات رشد و توسعه، 1390 ه.ش.
- 3- صدیق سروسستانی، رحمت الله، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: سمت، 1389 ه.ش.
- 4- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1374 ه.ش.

منابع عربی

- 1- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتاب الإسلامی، 1366 ه.ش.
- 2- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت -علیهم السلام-، 1409 ه.ق.
- 3- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، بیروت: دار الاضواء، 1405 ه.ق.

مقالات

- 1- ابری، انسیه، فضای مجازی عرصه ظهور خلاقیت، اولین کنفرانس ملی خلاقیت شناسی مهندسی و مدیریت نوآوری ایران، 1378 ه.ش.
- 2- احمدنیا، شیرین، بررسی جامعه شناختی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مناسبات خانوادگی، در مجموعه مقالات همایش تخصصی بررسی ابعاد شبکه‌های اجتماعی، تهران، جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، 1392 ه.ش.
- 3- افضل‌ی بروجنی، گلشن، اسماعیلی، لیلا، هاشمی گلپایگان، علیرضا، چالش‌های امنیتی و راهکارهای مقابله با آن در شبکه‌های اجتماعی، در مجموعه مقالات همایش تخصصی بررسی ابعاد شبکه‌های اجتماعی، تهران، جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، 1392 ه.ش.
- 4- رحیمی، محمد، عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی؛ مطالعه موردی شهر خلخال. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، 1390 ه.ش.
- 5- زنجانیزاده، هما، بررسی تأثیر اینترنت بر ارزشهای خانواده، مجله انجمن جامعه شناسی ایران، دوره ششم. شماره 2، 1384 ه.ش.

- 6- ساعی، منصور، نظری مقدم، جواد، تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی (با تأکید بر سلامت اجتماعی)؛ در مجموعه مقالات همایش تخصصی بررسی ابعاد شبکه‌های اجتماعی، تهران، جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، 1392 هـ.ش.
- 7- ستارزاده، داوود، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد به اینترنت و پیامدهای آن، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، شماره چهاردهم، 1386 هـ.ش.
- 8- شکر بیگی، عالیه، رسانه، زنان و مناسبات خانواده، نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران، 1391 هـ.ش.
- 9- صادق شجاعی، محمد، روان‌شناسی و آسیب‌شناسی اینترنت؛ روان‌شناسی و دین، شماره اول، 1387 هـ.ش.
- 10- صادقیان، عفت، تأثیر اینترنت بر کودکان و نوجوانان، تهران: مجله الکترونیکی نما، شماره 4، 1384 هـ.ش.
- 11- صیوری خسروشاهی، حبیب، بررسی آسیب‌های اجتماعی اینترنت، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، 1386 هـ.ش.
- 12- عقیلی، وحید، جعفری، علی، بررسی اهداف آشکار و پنهان شبکه‌های اجتماعی؛ در مجموعه مقالات همایش تخصصی بررسی ابعاد شبکه‌های اجتماعی، تهران، جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، 1392 هـ.ش.
- 13- غفاری، جلال، شاکری، محمدعلی، از همبستگی تا تنهایی در انسان‌شناسی شهری؛ شبکه‌های اجتماعی و زندگی شهری، در مجموعه مقالات همایش تخصصی بررسی ابعاد شبکه‌های اجتماعی، تهران، جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، 1392 هـ.ش.
- 14- فروزان، یونس، فروزان، حامد، ظهور شبکه‌های اجتماعی مجازی و تأثیر آن بر تغییرات رفتاری در زندگی انسان، در مجموعه مقالات همایش تخصصی بررسی ابعاد شبکه‌های اجتماعی، تهران، جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، 1392 هـ.ش.
- 15- کشتی‌ارای، نرگس؛ اکبری‌ان، اکرم، عصر مجازی و چالش‌های پیش رو، اولین کنفرانس بین‌المللی شهروند مسئول، 1390 هـ.ش.
- 16- گروهی از نویسندگان، رسانه‌ها و ثبات سیاسی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1381 هـ.ش.
- 17- یاسمی نژاد، عرفان؛ آزادی، اکرم؛ امویی، محمدرضا، فضای مجازی، امنیت اجتماعی، راهبردها و استراتژی‌ها، همایش ملی صنایع فرهنگی نقش آن در توسعه پایدار، 1391 هـ.ش.

مقاله سوم

بررسی مقایسه ای مصادیق زن در

جاهلیت اولی و جاهلیت مدرن

فریده محمدی

مدرسه علمیه هاجر (سلام علیها)

خمین

چکیده

در طول تاریخ، زن و وضعیت او در جاهلیت کهن و مدرن و حدود اختیار او و پیوند او با مرد و امکاناتش مورد گفتگو بوده است. از آن جایی که زن در فرهنگ سازی جوامع بشری تاثیر بسزایی داشته و دارد. در مهمترین متون دینی ما از جمله قرآن کریم و سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و کتب تفسیری در مورد زن و وضع او سخن به میان آمده است و درباره ی چگونگی برخورد کریمانه با او سفارش شده است. در راستای این پژوهش پی بردیم که در جاهلیت کهن ارزش زن به فراموشی سپرده شده بود، شاخص ترین نمودهای این تحقیر زنده به گور کردن دختران می باشد. و در عصر حاضر نیز با وجود پیشرفت ها و بالندگی تمدن ها شاهد وضعیت رقت بار زنان هستیم، درباره امور آموزشی، پرورشی، اجتماعی، سیاسی، به ویژه دینی - اخلاقی زنان اهتمام جدی صورت نمی گیرد. لذا اهمیت موضوع جایگاه و وضعیت زن پژوهشگر را به تحقیق در این باره ترغیب کرده است. این تحقیق موضوع تاریخی - اجتماعی و توصیفی می باشد. گردآوری مطالب با روش کتابخانه ای است، و از منابع تاریخی، روایی، تفسیری بهره گرفته شده است. و از این منظر که به صورت مقایسه ای بوده وضعیت زن در هر دو جاهلیت (کهن و مدرن) مورد بررسی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: زن، جایگاه زن، جاهلیت کهن، جاهلیت مدرن.

مقدمه

زن در عصر حاضر می توان گفت آن چه در جاهلیت نخستین درباره ی مقام و منزلت زن گفته شد اختصاص به آن ندارد، بلکه در عصر حاضر نیز همواره مظاهر جاهلیت اول به اشکال دیگری در جوامع مدرن خودنمایی می کند. در جوامع ماقبل مدرن ستم کشی زن عمده ترین مشکل اجتماعی شان بود. ولی به نظر می رسد در جوامع مدرن برای تخفیف ستم کشی، قدم هایی برداشته شده ولی در حقیقت به ره کشی از زنان افزایش یافته است. توجه به وضع زن در رویکرد افراطی و به اصطلاح فمینیستی ما را به این مطلب می رساند که بی هویت کردن زنان و به ابتذال کشاندن آنان از پیامد های این نهضت است. به دنبال این نگرش زنان به عنوان آلات و ابزاری در اختیار مردان سودجو قرار گرفتند و یا به عنوان برچسب تبلیغاتی کالا برای فروش بیشتر، از جاذبه های جسمی خود مایه گذاشتند.

بهر حال در هر زمان و هر مکتبی که با نام آزادی و حقوق زن او را خواند، جز فساد و جهل و اسارت برایش ارمغانی نداشت. او می بایست هویت اصلی خود را باز می یافت و به انسانیت خود باز می گشت. نوشتار حاضر در راستای شناخت جایگاه زن در جاهلیت کهن و مدرن که به بررسی مقایسه ای این امر می پردازد، خواهان برداشتن قدمی در اصلاح این نگرش ناصحیح دارد.

در این مقاله ابتدا به مفهوم جاهلیت و تعریف آن پرداخته شده است و سپس برخی از مصادیق جاهلیت کهن درباره ی جایگاه و شأن زن آورده شده است. در ادامه به جاهلیت مدرن در خصوص زن می پردازد که در مفهوم فمینیسم آشکار می شود و برخی از مصادیق جایگاه زن در جاهلیت مدرن را بیان و بررسی می کند. در آخر به نتیجه گیری و مقایسه این دو جاهلیت پرداخته می شود.

وضعیت زن و ارزش و منزلت او در طول تاریخ و در جوامع گوناگون، حالت نوسان داشته و دارد و در اکثر جوامع این منزلت و ارزش به فراموشی سپرده شده است. ملت ها در طول تاریخ اکثرا زن را به عنوان یک موجود ضعیف و پست می پنداشتند و ارزش زیادی برای او قائل نبودند. البته هر چه بیشتر در متون تاریخی و ادوار مختلف بررسی صورت گیرد اسارت و مظلومیت زن در همه ی طبقات اجتماعی بیشتر دیده می شود. در جاهلیت کهن هم، زن جایگاه انسانی شایسته ای نداشت و همواره مورد تحقیر بود و چه بسا اصل هویت انسانی او نادیده گرفته می شد. یکی از نمودهای تحقیر جنس زن در فرهنگ جاهلی زنده به گور کردن دختران بود. به گفته ی قرآن کوتاه نظری و بی بضاعتی فکری عرب، زنگار فطرت و خاموشی وجدان، منجر به بروز چنین رفتاری شده بود. در عصر جاهلی زن را همچون ابزار و وسیله ای برای زندگی بوالهوسانه ی مرد می شناختند و وی را عامل تهیه انواع لذت ها برای مرد می دانستند، در حالی که زن از هرگونه حقوق فردی، اجتماعی، فرهنگی و... محروم بود.

در این جوامع مرد برتری خود را با عقب نگهداشتن زن امکانپذیر می دید و زن را به عنوان ابزاری که صرفا برای تکامل مرد و خدمت به اوست می پنداشت. امروزه نیز در اکثر جوامع دنیا وضعیت به همین منوال است. در این گونه جوامع که بسیاری از هنجار ها و ارزش های اصیل اجتماعی و انسانی به فراموشی سپرده شده است، مقام و منزلت واقعی زن نیز از این مقوله خارج نیست و غرب با رنگ مدرنیته روح و جان زنان را به استضعاف کشیده است. با نگاهی به وضعیت

جاهلیت کهن نامی است که در اصطلاح قرآنی دوره زمانی پیش از اسلام را شامل می شود و اگر در فرهنگ اسلامی به مردم آن زمان جاهل و به آن عصر، جاهلیت گفته شد نه به این دلیل که مردمی بی دانش و فاقد علم بودند، بلکه به خاطر ضعف اخلاقی و بینش غلط و دور از منطق آن ها بوده چنانچه که امیر المؤمنان علیه السلام در ترسیم زندگی نکبت بار آن ها از سبک مغزی شان در اثر جاهلیت یاد می کنند، به طوری که امروزه نیز نمونه هایی از آن در جوامع به اصطلاح پیشرفته به چشم می خورد و این همان جاهلیت مدرن است که به مراتب بدتر از جاهلیت کهن می باشد. در این تحقیق وضعیت زن در جاهلیت کهن و مدرن در علم اخلاق، تاریخ و در آیات و روایات بررسی شده و جاهلیت کهن را از نظر زمانی به قبل بعثت و از نظر مکانی به جزیره العرب محدود می سازد و ج اهلیت مدرن را عصر حاضر در نظر گرفته است.

از آن جایی که بررسی نگرش و چگونگی برخورد مکتب ها و اقوام گذشته با موجودیت زن، تا حدودی موقعیت و جایگاه تاریخی زن را برای ما تبیین می کند. در آن دوره زن در ردیف حیوانات اهلی و برای اطفاء شهوات بوده و همواره مورد تحقیر و ظلم و ستم قرار گرفته است.

با اندکی تأمل در می یابیم که در عصر حاضر نیز زن مورد تحقیر و ستم قرار گرفته و با عناوینی همچون دفاع از حقوق زنان و تساوی حقوق، آن ها را از خانه به بیرون کشیدند و زن را به صورت یک کالای تجاری و تبلیغاتی درآوردند و این نشانگر آن است که جاهلیت مختص به زمان خاصی نمی باشد و زن در دوره ها و زمان های مختلف فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی در شرایط و وضعیت گوناگونی بوده، لذا

این تحقیق درصدد پاسخ به این سؤال است که جایگاه و وضعیت زن در جاهلیت کهن و مدرن چگونه است؟ مسأله ی جایگاه و وضعیت در جاهلیت کهن و مدرن از مواردی است که در مقایسه با بسیاری از مسائل دیگر کمتر در باب آن سخن به میان آمده است و کمتر کسی به آیات و روایات مرتبط با این موضوع آشنایی دارد. بی گمان ستم به زنان یکی از سیاه ترین منظره های تمدن بشری است. چه در جاهلیت کهن که انسان بودن زن فراموش شده بود و از ارزش انسانی و حقوق اجتماعی و استقلال در زندگی محروم بود و چه در جاهلیت مدرن که زن بودن او با نام آزادی و تساوی حقوقش با مرد به فراموشی سپرده شده است. آن جا که جوامع غربی با نام احیای حقوق زنان هویت او را به نیستی و ابتذال کشانده اند و یا آن جایی که حقوق بین المللی و بشری به جای آن که منشأ الهی داشته باشد سر از خواسته های نفسانی در می آورد و هزاران نمونه دیگر، همه ما را به این مهم می رساند که باید برای احیای مقام انسانی زن به پا خواست. در این راستا به یقین می توان گفت که ادیان الهی به ویژه دین خاتم بیش و پیش از همه به احیای شخصیت زنان بسی تأثیر و توفیق داشته اند، اما متأسفانه این راه درخشان در پس ابرهای جهل و بی خردی پنهان مانده و جامعه ی زنان چنان که باید از میوه های شیرین فرهنگ دینی بهره مند نگشته است. از این رو ضروری است در این دوران که به جاهلیت مدرن موسوم گشته است با معرفی دقیق شخصیت زن و ارزش و مقام والای او کام تشنه ی حق جویان سیراب گردد و هر انسانی که مناسبات و رفتارهای خود را بر مبنای غیر الهی قرار دهد و به جای مراجعه به آموزه های وحیانی به تعالیم بشری

مراجعه کند، در واقع طریق جاهلیت را در پیش گرفته، حتی اگر به ظاهر جامعه ای مدرن و مترقی داشته باشد.

تحقیق حاضر، با ترسیم سیمای وضعیت زن در جاهلیت کهن و مدرن این حقیقت را روشن کرده است که جاهلیت محدود به یک بازه ی زمانی و یا منحصر در یک شرایط معینی نیست، بلکه هر گاه چنان افکار و اعتقادات جاهلی در جامعه بشری و لو در دوره رواج تکنولوژی و پیشرفت و تمدن ظهور پیدا کند، دوران جاهلیت دگر بار آغاز شده است.

سیر حیات در عرصه ی زمین و گذار زمان کمی الزاما به منزله ی سیر اکمالی و تجربه کمال نیست، اگر جز این بود، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پیشاپیش امت خود را از تجربه ی جاهلیت دوم در آخر الزمان و سال های قبل از ظهور با خبر نمی ساخت. وقتی همه ی مظاهر و مصادیق بیان شده درباره ی وضع زن در جاهلیت اول را بنگریم، در می یابیم که امروزه نیز همچنان ساحت جان و دل و فرهنگ و اخلاق انسان دوران مدرن، غرق در ظلمات و تاریکی جهالت است، به مراتب سخت تر از جاهلیت اول جلوه می کند و تا زمانی که بشر به قرآن و اهل بیت علیهم السلام تمسک نداشته باشد همچنان در بند جهل خویش گرفتار خواهد بود.

در ارتباط با پیشینه ی تحقیق و پژوهش با عنوان وضعیت زن در جاهلیت کهن و مدرن تحقیقاتی صورت گرفته و کتاب ها و مقالاتی در این زمینه نگارش یافته است و اما تعداد محدودی از آن ها به صورت جامع و مدون وضعیت و جایگاه زن در هر دو جاهلیت را مورد بررسی قرار داده اند و اکثرا فقط اشاره ای کوتاه به مطلب داشته اند و یا تنها به یک نوع از جاهلیت پرداخته اند، به عنوان مثال فقط وضعیت زن در جاهلیت مدرن و عصر مدرنیته را بررسی کرده اند و یا

فقط جاهلیت را به طور مطلق مورد بررسی قرار داده اند. اما این تحقیق به مقایسه ی وضعیت زن در هر دو جاهلیت پرداخته و از همین منظر نو و بدیع می باشد.

این پژوهش در صدد پاسخ به سؤالات زیر است:

1- وضعیت زن در جاهلیت کهن چگونه است؟

2- جایگاه و شأن زن در جاهلیت به چه شکلی بوده است؟

3- وضعیت زن در جاهلیت مدرن چگونه است؟

4- وضعیت و شرایط فرهنگی- اجتماعی زن در

جاهلیت مدرن به چه نحوی است؟

ماهیت و نحوه ی بیان این مقاله توصیفی است و در گردآوری آن از روش کتابخانه ای بهره گرفته شده است.

الف- وضعیت زن در جاهلیت کهن

1- جاهلیت و ریشه های آن

1-1- مفهوم شناسی واژه ی جاهلیت

واژه ی جاهلیت مشتق از ریشه ی جهل است و دو معنا دارد، یکی به معنای نادانی و ضد علم است و دیگری ضد حلم و به معنای سفاهت است که در بیشتر آیات قرآنی این واژه به معنای سفاهت و بی اعتنائی آمده است.¹

با مراجعه به لغت نامه های عرب می یابیم، جاهلیت عبارت است از آداب و رسوم زشت و ناپسندی که از فرد یا گروهی بر اثر دور ماندن از دانش و علم و دست نیافتن مردم به عالم بدان مبتلا می گردند. بنابراین زمان ها ی قبل از بعثت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دوران جاهلیت گفته می شود. به این مناسبت که در فاصله ی بین بعثت

¹ قرشی، قاموس قرآن، ج 2، ص 81.

حضرت ابراهیم و موسی و عیسی تا بعثت پیامبر اسلام مردم گرفتار خوی ها و روش های ناپسند جاهلانه گشته اند.¹

این کلمه نخستین بار در آیات مدنی ظاهر شد و در مجموع همه ی رفتارها، سنت ها، عقاید و ارزش ها یی که در عصر پیش از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر جامعه ی عرب حکم فرما بود و اسلام آنها را رد، نفی و انکار کرد، مظاهر جاهلی و جاهلیت هستند.²

در لغت نامه دهخدا چنین آمده است: «حالت نادانی... زمانه قبل اسلام که عرب در آن جهل می داشتند به خدا و رسول وی و شرایع دین و مانند آن... زمانه ای که پیش از زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بود که قبایل عرب بتها را می پرستیدند... و زمان قبل از بعثت را گویند و به قول بعضی زمان قبل فتح مکه را جاهلیت نامند. به هر حال تمام اینها معانی جاهلیت است، هر چند کلمه ی جاهلیت را بیشتر بر اعراب پیش از اسلام اطلاق کنند. چه آن که آنان در بسیاری از اعمال و احکام خود به نهایت جهالت به سر می بردند».³

در چهار آیه ی قرآن کریم جاهلیت به معنای یاد شده آمده است:

«أَفْحَكَمَ الْجَاهِلِيَّةَ بِيَعُونَ»⁴، آیا حکم جاهلیت را می جویند.

«إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ»⁵، آن گاه کافران در دلهایشان تعصب جاهلیت پروارندند.

«يُظَنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ»⁶، در باره ی خداوند گمان های نادرستی همانند دوران جاهلیت داشتند. «تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»⁷، و به شیوه ی جاهلیت پیشین ظاهر نشوید.

از مجموع آیه هایی که ذکر شد و نیز آیه هایی همانند، معلوم می شود جاهلیتی که در قرآن کریم ذکر شده ناظر به شیوه ی رفتار و نوع پندار عرب است، نه بر حد دانش آنان با این توضیح که در دوران متصل به ظهور اسلام که قرآن آن را جاهلیت نامیده است، مفاسدی ارتکاب می شده است که معلول ضعف اخلاقی بوده است نه بی دانشی. یعنی جهل حاکم بوده است نه علم. چنانچه امروز نیز برخی از آن مفاسد، حتی در جوامع پیشرفته و به ظاهر مترقی، با وجود آگاهی مردم از مفاسد آن به چشم می خورد. به مردم چنین جوامعی نمی توان گفت دانش ندارند بلکه باید گفت بی خردند.⁸

2-1- شمای کلی عصر جاهلیت

دوره ی جاهلی از نظر زمانی، دوران پیش از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را تا حدود 150 و حداکثر 200 سال دوره ی جاهلی می نامند. درباره ی محدوده ی مکانی نیز، منطقه ای که نام جاهلیت بر آن نهاده شده باشد، مشخص نگردیده است ولی به لحاظ این که دوران قبل از رسالت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد بررسی قرار

1 علم الهدی، خورشید اسلام چگونه درخشید، ج 1 و 2، ص 31.

2 آینه وند، تاریخ زنان صدر اسلام، ص 56.

3 دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج 16، ص 155 و 156.

4 مائده، 50.

5 فتح، 26.

6 آل عمران، 154.

7 احزاب، 33.

8 بینش، مقایسه دوره جاهلیت و اسلام، ج 1، ص 22.

می دهند آن را جزیره العرب و به ویژه مکه و مدینه می دانند.

1

همان طور که گفتیم اگر چه واژه‌ی جاهلیت از جهل مشتق شده است، ولی جهل در این جا نقطه‌ی مقابل علم نیست، بلکه نقطه‌ی مقابل عقل و منطق است. درست است که عرب آن روز جزیره العرب، مردمی درس نخوانده بودند، اما اگر در فرهنگ اسلامی به مردم آن روزگار «مردم جاهل» و به آن عصر «عصر جاهلیت» گفته شده، نه تنها به علت بی دانشی، بلکه به خاطر بینش غلط و دور از عقل و منطق آن‌ها و پیروی از آداب و رسوم خرافاتی و داشتن صفاتی مانند کینه توزی، فخر فروشی و تعصب کور کورانه است که اسلام به شدت با آن مبارزه کرد.²

در برخی آیات قرآن کریم و سخنان معصومین علیهم السلام به شمای کلی دوران جاهلیت و وضعیت جامعه‌ی عرب در این دوران اشاره شده است. در یکی از آیات قرآن کریم با دعوت مسلمانان به وحدت و دوری از پراکندگی، وضعیت آنان قبل از اسلام گوشزد شده است:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»³ و همگی به ریسمان خدا چنگ

زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید، و بر کنار پرتگاه

آتش بودید که شما را از آن رها کنید، اینگونه خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می کند تا شاید هدایت شوید». در این آیه وجود کینه و دشمنی، اختلاف و پراکندگی و رواج فساد و تباهی که مردم را به سوی پرتگاه آتش می کشاند از مهمترین ویژگی‌های پیش از اسلام بیان شده است.

امیر المؤمنان علی علیه السلام در مواضع متعددی از نهج البلاغه به تبیین و توصیف دوران جاهلیت و وضعیت اعراب جاهلی پیش از اسلام می پردازد. از جمله می فرماید: «خداوند پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را هشدار دهنده‌ی جهانیان مبعوث فرمود تا امین و پاسدار وحی الهی باشد آن گاه شما ملت عرب بدترین دین را داشته و در بدترین خانه زندگی می کردید، میان غارها، سنگ‌های خشن و مارهای سمی خطرناک، فاقد شنوایی به سر می بردید، آب‌های آلوده می نوشیدید و غذاهای ناگوار می خوردید، خون یکدیگر به ناحق می ریختید و پیوند خویشاوندی را می بردید، بت‌ها میان شما پرستش می شد و مفسد و گناهان شما را فرا گرفته بود».⁴

2- مصادیق، جایگاه و شأن زن در جاهلیت

کهن

1-2- زنده به گور کردن دختران

فرومایه‌ترین دیدگاه در گستره‌ی تاریخ، درباره‌ی زنان در عصر جاهلیت بود. قرائن و شواهد گسترده‌ای به استناد آیات

1 گودرزی، شکفتن گل سرخ، ص 21.

2 پیشوایی، تاریخ تحلیلی اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر

اسلام)، ص 33 و 34.

3 آل عمران، 103.

4 دشتی، ترجمه‌ی نهج البلاغه، ص 152.

کریمه و احادیث معتبر موجود است که بی‌رحمانه‌ترین رفتار را عرب جاهلی با زنان و دختران داشتند.

عرب زن را منشأ خواری و ننگ می‌شمرد، وقتی خبر از ولادت فرزند دختر می‌یافت چهره‌اش به شدت می‌گرفت و سرگردان می‌ماند که آن را با خواری نگه دارد یا در خاک پنهان سازد.¹

زن جاهلی سخت‌ترین زندگی را داشت. هیچ ارزشی برای او قائل نبودند. کافی است به آیات قرآن کریم اشاره کنیم که وضعیت زن جاهلی را بیان می‌کند: «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ، يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَلَيْسَ كَٰلِئِذَا أُبْشِرَ بِالسُّوءِ إِلَّا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ»²، هنگامی که به یکی از آنان بشارت داده می‌شد دارای فرزند دختر شده، چهره‌اش (از شدت ناراحتی) سیاه می‌شود، در حالی که خشمگین است به خاطر بدی بشارتی که به او داده شده از قوم خود پنهان می‌شود و سرگردان است که آیا او را به خواری نگه دارد یا در خاک پنهانش سازد؟ آگاه باشید که بد حکم می‌کنند. از سیاق آیه به دست می‌آید که این دیدگاه رایج عرب جاهلی بوده و نزد همگان شیوع و گسترش داشته است.³

واقعا جای بسیار تعجب و شگفتی است که شخصی جگر گوشه و پاره‌ی جگر خود را بدون این که زندگی او مزاحم او بوده است و یا حیات پدر را تهدید نماید با دست خود او را زنده به گور کند و حال آن که این حس وحشی بودن در حیوانات وحشی هم یافت نمی‌شود. اگر چه کشتن

دختران بیشتر از ناحیه‌ی فقر و تنگدستی بوده ولی با تمام این احوال به طرز وحشیانه‌ای به این کار دست می‌زدند و حتی در بعضی قبائل دختران را سر می‌بریدند و در بعضی دیگر دختر را از بالای بلندی یا قلعه‌ی کوه به پایین پرت می‌نمودند و برخی دیگر آن‌ها را در آب غرق می‌کردند و هر گاه زنان آن‌ها آبستن می‌شدند در موقع زاییدن آن‌ها را در صحرا می‌آوردند و قبر در کنارشان حفر می‌کردند که پس از زاییدن اگر نوزاد دختر بود بدون شستشو زنده به گورش می‌کردند و چه بسا اتفاق می‌افتاد زن بدبخت و بیچاره که دو سه بار گرفتار زاییدن نوزاد دختر می‌گردید و دخترش زنده به گور می‌شد، در مرتبه‌ی سوم به جرم زاییدن دختر، خود زن نیز با نوزادش زنده به گور می‌شد.¹

به عقیده سید قطب: «ضرر این انحراف فکری، فقط متوجه زن در جامعه‌ی جاهلی نیست، بلکه در چنین جامعه‌ی انسانیت مخدوش است و اهانت به زن اهانت به عنصر ارزشمند انسانی است و زنده به گور کردنش، نابود کردن نفس بشر و بخشی از حیات بشری و مقابله نمودن با حکمت آفرینش است که نه فقط انسان بلکه همه‌ی موجودات برای استمرار حیات باید نره و ماده داشته باشند».⁴

این واقعا وحشت آور است که انسان، آنقدر عاطفه خود را زیر پا بگذارد که به کشتن انسان ان هم در زشت‌ترین صورتش افتخار کند و مباحات کند. انسانی که پاره تن خود اوست، انسانی که بی دفاع و ضعیف است، او را با دست خویش زنده زنده به خاک بسپارد. این یک امر ساده نیست که انسان هر چند نیمه وحشی دست به چنین جنایت

¹زکی یمانی، اسلام و زن، ص 45.

³ عاملی، ج 1، سیرت جاودانه، ص 166.

⁴سید قطب، فی ظلال القرآن، ص 2178.

²تحل، 58-59.

وحشتناکی بزند، قطعاً دارای ریشه های اجتماعی و روانی و اقتصادی بوده است.¹ حوادثی پیش آمد و اسباب و عواملی دست به دست یکدیگر داد که موجب آلودگی اعراب به چنین رفتار وحشیانه ای گشت که به آن اشاره می شود:

1- ضیق دایره ی معیشت و کم بودن مواد غذایی: در محیط اقوام جاهلی، تهیه مواد غذایی و کار های کشاورزی بسیار دشوار بود و از رموز تجارت نیز بی خبر بودند. و به دلیل راهزنی در جاده ها به تجارت نمی پرداختند این است که تکفل یک خانواده ی پر جمعیت بر دوش اغلب مردان بار سنگینی بود، لذا به علت ترس از گرسنگی و مرگ دختران را زنده به گور می کردند.

2- مقتضیات طبیعی و عدم سازمان اجتماعی: در نتیجه فقدان حکومت مرکزی و وجود قبایل و جنگ های متعدد، امنیت جانی، مالی و ناموسی وجود نداشت و مردان برای حفاظت بهتر از خانواده ی خود سعی در تقلیل افراد خانواده داشتند.

3- سوء تربیت، خود خواهی و نادانی: حتی با فقدان دو عامل فوق، مردان در مقابل کوچکترین تحریک غضب و شهوت، دختر کشی می کردند و فضیلت و تقوایی که این احساسات را به خیر هدایت کند، در آن جامعه نیمه وحشی وجود نداشت.

4- این احتمال نیز وجود دارد که تولید کننده بودن پسران و مصرف کننده بودن دختران، در این جوامع نیز به این جنایت کمک کرده باشد. زیرا پسر برای آن ها سرمایه بزرگی محسوب می شد که در غارتگری ها و نگهداری شتران و

¹ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 11، ص 270.

1 محقق، حقوق مدنی زوجین، ص 5 و 6.

مانند آن از وجودش استفاده می کردند، در حالی که دختر اینگونه نبود.

5- از سویی دیگر وجود جنگ ها و نزاع های دائمی قبیلگی میان آن ها سبب فقدان سریع مردان و پسران جنگجو می شد و تبعاً تعادل و تناسب میان دختران و پسران هم به هم می خورد تا آنجا وجود پسران عزیز شده بود که تولد پسر، مایه مباهات بود و تولد یک دختر مایه ی ننگ و ناراحتی و رنج یک خانواده.

پس وحشتناک ترین جنایات زیر پوشش دروغین دفاع از ناموس و حفظ شرافت و حیثیت خانواده انجام می گرفت و عاقبت این بدعت زشت و ننگین مورد استقبال گروهی واقع شده و مسأله ی زنده به گور کردن دختران یکی از رسوم جاهلیت شدو همان است که قرآن کریم شدیداً آن را محکوم ساخته و می گوید: «وَ إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ. بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»² در قیامت درباره ی دختران زنده به گور شده سؤال می شود که به چه گناهی کشته شده اند.

2-2- نکاح جاهلانه

بسیار عجیب است که عرب دوران جاهلیت به جهت شدت غیرت، دختران بی گناه خود را زنده به گور می کردند ولی در زمینه ازدواج و همسر داری مراسم بسیار زشت و ناپسندیده و آلوده به مفاسد زیادی داشتند که به راستی انسان از نقل آنها شرم می کنند. ما به طور خلاصه و فشرده به بررسی اقسام ازدواج های رسمی آنها می پردازیم:

1- نکاح الرهط (ازدواج دسته جمعی): عده ای از مردان که باید کمتر از 10 نفر باشند با زنی ازدواج می کردند و خرج

² تکویر، آیات 8-9.

او را متکفل می شدند و وقتی نوزادی به دنیا می آمد اگر پسر بود یک شب آن زن تمام شوهرانش را دعوت می کرد و فرزند را بغل می کرد و به یکی از ایشان می داد و اگر دختر بود نزد خود زن می ماند.¹

2- نکاح الاستبضاع (ازدواج جهت باردار شدن): یکی از ازدواج های قانونی آن زمان ازدواج نسلی بود. اگر کسی می خواست ویژگی های فرد دیگری در فرزند او ایجاد شود زن خود را مدتی در اختیار او قرار می داد تا از نطفه ی آن مرد به این زن منتقل شود و بچه ای با آن خصوصیات به دنیا آید.

3- نکاح البدل: اگر مردی از زن دیگر خوشش می آمد و ملاحظه می کرد زن رفیقش زیباست، همسرش را به رفیق خود می داد و زن او را می گرفت.²

4- نکاح المقت: زناشویی تنفرآمیز، اگر شخصی می مرد زنش مانند سایر اموال به پسر بزرگش تعلق می گرفت و اگر فاقد فرزند بود، به فامیل می رسید و حق هر گونه اعتراض یا مقاومتی از زن سلب می شد و چاره ای جز تسلیم نداشت. 5- نکاح الجمع: ثروتمندان عرب به منظور تکثیر ثروت، کنیزانی زیبا جمع می کردند که با عشوه گری کسب ارتزاق برای آنها کنند.

6- نکاح الشغار: زناشویی تعویضی، یکی از ازدواج های جاهلی آن بود که زنان و دختران به جای مهر و کابین زن دیگری واقع می شدند، مثلا شخصی دختر یا خواهرش را زن کسی

می ساخت تا در عوض به جای گرفتن مهریه دختر یا خواهر آن شخص را زن خود سازد.

7- نکاح السفاح: روسپیگری، اگر ارتباط همبستری زن و مرد خارج از اقسام فوق بود، آن نکاح را نکاح السفاح یا زنا می خواندند.³

8- نکاح مخادنه: مخادنه در لغت به معنای مصاحبه و دوستی داشتن است، یعنی زنی برای خود مردی را و مردی برای خود زنی را به دوستی بر می گزید که رفت و آمد کند و نزدیکی می کردند. پس هر گاه فرزندی زاده می شد زن اعلام می کرد که آن فرزند برای فلان کس است که او با همان ازدواج می کرد.⁴

3-2- تَبْرُجُ در جاهلیت

زنان عرب قبل از ظهور اسلام دارای پوشش و حجاب شایسته نبودند و با آشکار کردن زینت ها و نمایش برخی از اندام خویش در جامعه ظاهر می شدند.⁵

خداوند در آیه شریف سوره احزاب می فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»: «در خانه های خود قرار بگیرید و همانند جاهلیت نخست-که زنان به منظور خود نمایی از منزل خارج می شدند- در میان مردم ظاهر نشوید.

تبرج به معنای آشکار شدن در برابر مردم است، و از ماده ی برج گرفته شده که در برابر دیدگان همه ظاهر است. اما اینکه منظور از جاهلیت اولی چیست؟ ظاهر همان جاهلیتی

1 علم الهدی، خورشید اسلام چگونه درخشید، ص 94 و 95.

2فاضلی بیارجمندی، نقش زنان شیعه در عصر امام علی علیه السلام، ص 69-70.

3جلیلی، جایگاه زن در اسلام، ص 77.

4 فتاحی زاده، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، ص 54-55.

5رسولی محلاتی، درس هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، ج 1، ص 245.

6احزاب، 33.

است که مقارن عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده، و به طوریکه در تواریخ آمده آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردنبنند و گوشواره های آنها نمایان بود و به این ترتیب قرآن همسران پیامبر را از اینگونه اعمال باز می دارد. که بدون شک این حکم عام است. و ظاهر این است که جاهلیت اولی همان جاهلیت قبل از اسلام است که در جاهای دیگر قرآن نیز به آن اشاره شده و جاهلیت ثانیه جاهلیتی است که بعدا پیدا خواهد شد (همچون عصر ما).¹

بسیاری از مصادیق تبرج در زمان جاهلیت نخستین توسط مفسران بیان شده است که آن ها را در غالب معنای تبرجی بیان کرده اند که از آن ها می توان راه رفتن بین مردان، پوشیدن گردنبنند و گوشواره، عشو در راه رفتن، آشکار ساختن هر نوع زیبایی برای مردان را نام برد که همه اینها مصادیقی برای تبرج در آن زمان هستند. تجمل و تزیین زنان جاهلیت به اندازه حال و امکانشان بود، زن خود را بنا بر سنتی که طبیعی و رایج میان زنهایست می آراست و با سرمه و لوازم آرایشی که به صورت می زدند و روغنی که به موها می مالیدند و خضاب کردن به کف دست و پا و خالکوبی و هر آنچه شبیه آن بوده که از مواردی برای زیبا سازی و زینت کردن در آن زمان بکار می رفته استفاده می کردند. به وسیله خالکوبی نقش هایی از حیوانات و گیاهان یا صورت انسان را روی بدنشان نقاشی می کردند. زنان عرب به زیبا کردن ابروها هم اعتنا می کردند. آن ها سوهان را برای تمیز کردن و تراشیدن برخی دندان ها به کار می بردند تا زیبا شوند.

زنان جاهلی خودشان را به زیور و زینت که از طلا و نقره و معادن دیگر از سنگ های قیمتی و سنگ هایی که مورد توجه بود زیبا می کردند.²

ب- وضعیت زن در جاهلیت مدرن

1- جاهلیت مدرن

هر گاه از جاهلیت سخن به میان می آید، چنین به نظر می رسد که جاهلیت مربوط به دوران گذشته بوده و امروزه در دوران عقلانیت بشر سخن از آن سخنی گزاف و مخالف تمدن بشری است. اما با تأمل در مفهوم جاهلیت و آنچه که بر بشر امروز می گذرد، روشن می شود که این معضل بزرگ امروز هم گریبان گیر بشر است. اعلام فرا رسیدن فصل جاهلیت دوم در واقع اعلام خارج شدن روح و جان تعالی بخش کتاب الله از فرهنگ و تمدن بشری و غیبت سیره و سنت آل الله از مناسبات و معاملات فردی و جمعی بشر است. جالب آن که به رغم تصور و توهم ما جاهلیت در عصری که آکنده از بالندگی تمدن مدرن و تکنولوژیک است، به مراتب سخت تر از جاهلیت اول جلوه می کند.³

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمودند: «من بین دو جاهلیت که دومین آن ها سخت تر از اولی است، برانگیخته شده ام».⁴

جاهلیت دوم، جاهلیتی است که دنیای امروز با همه پیشرفت های علمی و تمدن عظیم و بی سابقه ی بشری و ادعای تشکیل حکومتی جهانی، گرفتار آن است. این در حالی است که ادعای عقلانیت بشر، گوش فلک را کر کرده است. این

³ شفیع سروستانی، جاهلیت مدرن، در رویارویی با

امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ص 87.

⁴ ری شهری، العقل و الجهل فی الكتاب و السنه، ص 273.

¹ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 17، ص 290-291.

² عابدی، جلوه گری زن در جاهلیت اولی و جاهلیت اخری،

ص 29 تا 32.

قسم جاهلیت از قسم جاهلیت‌هایی نیست که از جنبه‌ی ندانستن باشد. در حقیقت بسیاری از عقلانیت‌های مدرن جهل هستند، حرکت و سیر آن‌ها در مسیر جاهلیت است. اگر دیروز در جاهلیت اول فرزند دختر نشانه‌ی نگون بختی به شمار می‌آمد و تنها جنس مذکر دارای ارزش و جایگاه اجتماعی بود، امروز در جاهلیت مدرن نیز ویژگی‌های طبیعی جنس مونث و دو نقش اصلی زنان، یعنی مادری و همسری به عنوان نقش‌های کلیشه‌ای و عامل فرودستی آنان شناخته شده است. زنان تنها زمانی در جامعه به رسمیت شناخته می‌شوند که از نقش‌های سنتی خود دست بشویند. همه‌ی ویژگی‌های جنس مذکر را دارا شوند و مانند مردان در صحنه‌های مختلف کار، اشتغال و فعالیت اجتماعی وارد شوند.¹ (فمینیسم)

اگر دیروز زن تنها کالای جنسی و وسیله‌ی کام‌روایی بیشتر مردان می‌شد، امروز نیز زن وسیله‌ای است برای شهوت و ثروت. زن مصرف‌کننده‌ی کالاهای متنوع و هر روز نو شونده‌ی شرکت هاست. اعم از پوشاک و لوازم آرایش و وسایل زندگی. غرب فرهنگش را به طور بی‌سابقه‌ای به زاویه‌ی دورترین نقاط عالم صادر کرده و دین و دنیای ملت‌ها را می‌رباید. امروزه نه تنها زن را از اسارت و بردگی‌هایی که قرون گذشته بر او تحمیل کرده بود، رهایی ندادند، بلکه به گونه‌ای دیگر بر مظلومیت او افزودند و از زن برای گسترش مراکز فساد و فحشاء و رونق بازار مصرف و وسیله‌ای جهت تبلیغات وسیع بهره‌جویی کردند.²

از آنچه گفته شد به خوبی در میابیم هر جامعه‌ای که مناسبات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را بر

مبنای مقررات غیر الهی سامان دهد و در برنامه ریزی و قانون‌گذاری و اجراء به جای مراجعه به آموزه‌های وحیانی، به تعالیم بشری مراجعه کند، در واقع طریق جاهلیت را در پیش گرفته است و با جامعه‌ی جاهلی عصر پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم هیچ تفاوتی ندارد؛ حتی اگر در ظاهر جامعه‌ای مدرن و پیشرفته باشد.

2- فمینیسم

فمینیسم را می‌توان واکنش زن غربی مدرن، در برابر فرهنگ به جا مانده از عصر سنت اروپایی دانست. فمینیسم را گاه به جنبش‌های سازمان یافته برای احقاق حقوق زنان و گاه به نظریه‌ای که به برابری زن و مرد از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی معتقد است معنا کرده‌اند. این واژه با اندکی تغییر در تلفظ، در زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی به یک معنا به کار می‌رود. استفاده از این واژه تا دهه‌ی شصت و هفتاد میلادی، برای اشاره به شکل‌های زنان مرسوم نبود و کاربردی محدود در ارتباط با مسائل خاص و گروه‌هایی خاص داشت.³

از نظر تاریخی، تکامل جریان فمینیستی به دو مرحله تقسیم می‌شود. مرحله‌ی اول از اوایل قرن 19 تا اندکی پس از جنگ جهانی اول یعنی تا سال 1920 است. پس از این زمان جنبش‌های زنانه رو به افول گذاشت و تا پس از جنگ جهانی دوم تحرک قابل توجهی صورت نگرفت. موج دوم جریان فمینیستی از دهه‌ی 60 آغاز شد.

معمولاً عنوان یک مکتب و ایدئولوژی نمایانگر اهداف و انگیزه‌های آن است. همان طور که در جنبش‌های حق

¹ شفیع سروسنایی، همان، ص 96-161.

² رفیعی طاری، امام خمینی و بیداری زن (تأملی بر جایگاه

زن)، ج 1، ص 137.

³ یزدانی، جندقی، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، ص 13-14.

طلبانه ی ا فشار ضعیف و متوسط جامعه می توان به ستم دیدگی آنان پی برد. در جنبش های فمینیسم اگر چه آغاز کردن از طبقات بالای جامعه ی غر بی بودند ولی این چنین برداشت می شود که در دریافت آن ها زنان در هر طبقه و جامعه ای که بوده اند تحت ستم واقع شده اند و مورد بی حرمتی قرار گرفته اند.

به عنوان مثال از جمله اموری که فمینیسم وارد آن شد و نگرشهای خود را عملی کرد، این بود که زن را مورد هدف کشور های سرمایه داری قرار داد. بسیاری از استعمار گران با وجود دست یافتن به ثروت های گزاف به فکر تولید بیشتر و کار های تولیدی افتادند. نیروی انسانی بکار گرفته شده اغلب مردان را شامل می شد با وجود هزینه های زیادی که برای استعمار گران به وجود آمده بود سعی کردند از نیروی زن در جامعه کمک بگیرند. از این رو با شبهات سعی در رفع حجاب و کشاندن زن به اجتماع کردند. چرا که از آنها با حقوق کم استفاده زیاد در امر تولید می کردند.

3- مصادیق، جایگاه و شأن زن در جاهلیت

مدرن

1-3- بی اعتنایی به نهاد اخلاق

فمینیست ها با قطع پیوند میان انسان و خدا، بر حاکمیت انسان تأکید می کنند. این گونه حاکمیت بی قید و بندی غرایز و تمایلات را می طلبد و بر این اساس به ارزش های الهی با قرارداد های انسانی واقعی نمی نهند. وجود انضباط و قید و بند را عامل محدودیت تلقی می کنند و به این ترتیب افسانه ای به نام اخلاق، ارزش و بلکه موضوعیت خود را از

دست می دهد. بنابر گزارش سازمان بین المللی مهاجرت، هر ساله هزاران زن اروپایی خرید و فروش می شوند.

موضوعاتی که از اواخر دهه ی 1960 از سوی فمینیست ها مطرح شد مانند سقط جنین، رپ، ناهم جنس خواهی اجباری، هرزه نگاری، فناوری تولید مثل و پیشنهاد سوسیالیسم جنسی و خانواده گسترده به جای خانواده هسته ای و... جایی برای تعهدات اخلاقی باقی نگذاشته است. اعطای حق خودداری از تمکین جنسی به زنان در مقابل همسر همراه با نارسایی های موجود در خانواده و اجتماع موجب شده که آثار تجاوزات جنسی به شدت افزایش یابد.¹ از این رو یکی از موضوعات مورد در خواست گروهی از فمینیسم ها در کنفرانس پکن، نفی هر گونه تبعیض علیه گرایش های همجنس بازان و انحرافی بود و این که لفظ گرایش جنسی پذیرفته شود. این درخواست مورد حمایت کشورهایایی از قبیل کانادا، آمریکا، اروپا، اسرائیل و... واقع شد. به این ترتیب به هم جنس بازی و ابتذال فرهنگی و اخلاقی مشروعیت جهانی بخشیدند.²

از دیگر موضوعاتی که از سوی فمینیست ها مطرح شد، مسأله ی سقط جنین بود. انقلاب جنسی نشانه و فرصت های فراوانی را برای زنان به همراه داشت که آن ها را از آزادی جنسی فعال بهره مند ساخت. رفته رفته از دیدگاهی که سقط جنین را فاجعه ای همراه با وقوع یک جرم می دانست به دیدگاهی رسیده ایم که سقط جنین را به یک انتخاب ساده تبدیل نموده است. جدا کردن رابطه ی جنسی از امر تولید مثل یکی از مبارزات بزرگی است که جنبش فمینیست ها آغاز کننده ی آن بود. مسأله ی حائز اهمیت این است که جدایی رابطه ی جنسی از تولید مثل که هدف

¹ حسینی، فمینیسم علیه زنان، ص 171.

² فتاحی زاده، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، ص 93.

عمده ی آن خلق حیات است، کاملاً نمی‌تواند تحقق یابد مگر آن که زنان آزادی سقط جنین را به دست آورند.¹

2-3- زنده به گور کردن مدرن

آن روز که اعراب جاهلی به خاطر ننگ دختر دار شدن از روی فقر، دختران خود را زنده به گور میکردند، در کمال حیرت و تعجب، آن عصر را عصر جاهلی و آن مردم را جاهل خواندیم و هنوز هم صفت جاهلیت را قرین با حیات و فرهنگ جاهلیت می‌شناسیم. لیکن هیچ گاه در تصورمان نمی‌آمد که پس از هزاران سال و به رغم همه تجربه‌ها و ادعای مدنیت و آگاهی، نه تنها حامل و مبلغ جمله صفات مذموم عصر جاهلی بوده، بلکه پا را فراتر نهاده و گوی سبقت را از آنان ربوده باشیم.

با نهایت تأسف این مسأله به اشکال دیگری در جاهلیت قرون اخیر خود نمایی می‌کند، در شکل آزادی سقط جنین که به صورت قانونی در بسیاری از کشور های به اصطلاح متمدن رواج یافته، اگر عرب جاهلی بعد از تولد نوزادان را می‌کشت، انسان های متمدن عصر ما آن را در شکم مادر می‌کشند.² امروزه در سایه ی پیشرفت علم پزشکی، تشخیص جنس جنین که پسر است یا دختر امکان پذیر شده است و بسیاری از مناطق به پزشک مراجعه می‌کنند و در صورتی که تشخیص این باشد که جنین دختر است به سقط کردن آن اقدام می‌کنند.³

از طرفی باید متذکر شد که غربیان و یهودیان برای کنترل جمعیت مسلمانان طرح و برنامه ریزی می‌کنند. در حالی که خود آن‌ها درست بر عکس این موضوع را درباره ی

خودشان تبلیغ و ترویج می‌کنند. تا جایی که ازدواج نکردن و بچه دار نشدن، در آیین یهود گناه شمرده می‌شود. تنها جایی از جهان که کنترل زاد و ولد و شعار هایی از قبیل فرزند کمتر، زندگی بهتر هیچ گاه تحقق نخواهد یافت، اسرائیل است. اما درباره ی مسلمانان می‌بینیم که غالب این 147 کشور مسلمان توسط اسرائیل مورد برنامه کنترل جمعیت قرار گرفته اند. به این ترتیب که با کمک های مالی و سیاست های سوء کشور های آمریکا و انگلستان مسلمانان را باشیوه های گوناگون مقطوع النسل و عقیم می‌گرداند. و این برنامه در جمیع کشور های اسلامی جاری است.⁴ آن‌ها تمام تلاششان را می‌کنند تا با سیاست‌های گوناگون به دست خودمان، مردان و زنان را عقیم کرده و نسل مسلمانان را ریشه کن کنند. ما باید هوشیار باشیم و به بهانه‌های واهی سقط جنین نکنیم و به فرمایشات رهبر عظیم الشان مان در این زمینه گوش فرا داده و به دغدغه‌های ایشان پیرامون جمعیت و سفارش به ازدیاد فرزندان توجه و اهتمام داشته باشیم.

3-3- تبرج در جاهلیت مدرن

تبرج عنوان کلی است که در خارج مصداق های فراوانی دارد و نهی شارع نیز از طریق این عنوان به مصادیق آن تعلق گرفته است. برخی از مصادیق تبرج در زنان مربوط به حرکات و رفتار و پاره ای مربوط به نوع پوشش آن‌هاست. رفتار های جلف و سبک زنان در بیرون از خانه و پوشیدن کفش های جلب توجه کننده و لباس‌های جذاب از نظر رنگ، مدل و جنس از مصادیق تبرج و ممنوع است. البته

¹ دولتی، حسینی اکبر نژاد، بررسی مبانی فلسفی اخلاقی کلامی و

آثار عملی فمینیسم، ص 171.

² مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 26، ص 178.

³ نوری همدانی، جایگاه بانوان در اسلام، ص 51.

⁴ حسینی طهرانی، رساله نکاحیه، ص 21-22.

استفاده از پوشش لزوماً به معنای نفی تبرج نیست، زیرا تبرج به معنای خودنمایی و جلب توجه دیگران است و این مسأله با استفاده از برخی پوشش‌ها با نوع و مدل آن‌ها نیز محقق می‌شود.¹

از مصادیق تبرج آرایش کردن خانم‌ها و استفاده بیش از حد آن‌ها از لوازم آرایشی که بیشتر برای تزیین صورت استفاده می‌شود، است. هم‌چنین از موارد دیگر تبرج که در انواع آرایش‌ها وجود دارد، نقاشی کردن لب‌ها و خط چشم و طرز نقاشی سایه‌ها و رنگ‌های دیگر بر روی صورت است که اکثر زن‌ها در زمان‌های خاصی طبق مدل‌های جدید به همان سبک آرایش می‌کنند، چه تلاش‌های بیهوده و قیمت‌های گزاف که برای اینکار مصرف نمی‌کنند و حتی جراحی پلاستیکی برای تغییر شکل لب‌ها، بینی، گونه‌ها... می‌انجامد. تبرج مصادیق فراوانی دارد. وقتی زندگی فاقد پشتوانه‌ی عقلی شود و وقتی ایمان در زندگی کم‌رنگ شود انسان‌ها به عوامل ظاهری و پوچ روی می‌آورند که نتیجه‌ی آن تبرج است. مصادیق تبرج که در جامعه به وفور دیده می‌شود تغییر و تبدیل در زندگی است. این تغییرات نه بر حسب ضرورت بلکه فقط برای تجمل و خودنمایی یا به تعبیر روانشناسان نتیجه‌ی بیماری است.²

اگر در جاهلیت کهن در زمان گذشته تبرج در میان زنان رواج داشته، امروزه نیز در عصر مدرن زنانی هستند که جاهلیت را همانگونه با مصادیق دیگری به یدک می‌کشند. در جاهلیت کهن زنان با خلخال و لوازم آرایشی همان روز به تبرج و خودنمایی پرداختند که قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنها را نهی کرد و در عصر مدرن که ادعای تمدن و

علم و دانش دارند نیز عده‌ای از زنان به تبرج و خودنمایی با مصادیق امروزی و مد روزگار خود به این امر ناپسند می‌پردازند. پس در می‌یابیم که جاهلیت مختص به زمان و مکان خاص نیست.

نتیجه‌گیری

با بررسی برخی از مصادیق جایگاه زن در جاهلیت کهن و مدرن در می‌یابیم که جاهلیت محدود به یک دوره‌ی زمانی و منحصر در یک شرایط معینی نیست، بلکه با تأمل در مفهوم جاهلیت و آن چه بر بشر امروز می‌گذرد روشن می‌شود که این معضل بزرگ هم‌گریبا نگیر بشر است و هر گاه روح و جان تعالی بخش کتاب الله از فرهنگ و تمدن بشری خارج شود و سیره و سنت آل الله از مناسبات و معاملات فردی و اجتماعی رخت بربندد، در واقع همان طریق جاهلی است و با جامعه عرب جاهلی پیش از اسلام هیچ تفاوتی ندارد، حتی اگر در عصری آکنده از بالندگی تمدن و تکنولوژی باشد.

اگر دیروز در جاهلیت نخستین فرزند دختر نشانه‌ی نگون‌بختی به شمار می‌آید و تنها جنس مذکر دارای ارزش و جایگاه اجتماعی بود امروز در جاهلیت مدرن نیز ویژگی‌های طبیعی زن در دو نقش مادری و همسری نادیده گرفته شده است و زنان تنها زمانی در جامعه به رسمیت شناخته می‌شوند که از نقش‌های سنتی خود دست بشویند و مانند مردان به صحنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی بیایند (فمینیسم). یا اگر دیروز زن تنها وسیله‌ی کام‌روایی بیشتر مردان تلقی می‌شد، امروز زن تنها کالای جنسی و ابزاری برای فروش

¹ طاهری نیا، حضور زن در عرصه‌های اجتماعی-اقتصادی

از نگاه آیات و روایات، ص 118-120.

² عابدی، جلوه‌گری زن در جاهلیت اولی و جاهلیت

اخری، ص 35-36.

بیشتر محصولات تولیدی شرکت‌های بزرگ شناخته می‌شود. در جاهلیت عصر جدید زنان بازیگران مسابقه‌ی پایان‌ناپذیر برای عرضه‌ی هر چه زیباتر و تحریک‌کننده‌تر خود در جامعه و رسانه‌های تصویری هستند. اگر دیروز اعراب جاهلی به خاطر ننگ دختر دار شدن یا از روی فقر نوزاد دختر خود را زنده به گور م‌یکردند، امروزه انسان‌های متمدن عصر ما آن را در شکم مادر می‌کشند.

و همچنین اگر تاریخ تبرج توسط زنان در جاهلیت کهن را ثبت کرده است باید بگوییم که امروزه در عصر مدرن هم این جاهلیت یعنی تبرج زنان را با مصادیق گوناگون مشاهده می‌کنیم و پی می‌بریم که جاهلیت در این زمینه مختص به زمان و مکان خاصی نیست.

فهرست منابع

*قرآن کریم.

- 1-آینه‌وند، محمد صادق، تاریخ زنان صدر اسلام، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ چهارم، 1362.
- 2-بیشش، عبدالحسین، مقایسه دوره‌ی جاهلیت و اسلام، تهران، نشر مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، 1388.
- 3-پیشوایی، مهدی، تاریخ تحلیلی اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام)، قم، نشر معارف، چاپ هفتم، 1387.
- 4-جلیلی، محمدرضا، جایگاه زن در اسلام و یهودیت، تهران، انتشارات دستان، چاپ اول، 1383.
- 5-حسینی طهرانی، سید محمد حسین، رساله نکاحیه، مشهد، نشر علوم و معارف اسلامی، چاپ دوم، 1370.
- 6-دولتی، غزاله، حسینی اکبر نژاد، هاله، حسینی اکبر نژاد، حوریه، بررسی مبانی فلسفی، اخلاقی، کلامی و آثار عملی فمینیسم، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول، 1388.
- 7-دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات سازمان لغت نامه دهخدا، چاپ سیروس، ۱۳۶۴.
- 8-رسولی محلاتی، هاشم، درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، 1383.
- 9-زکی یمانی، احمد، اسلام و زن، سید ضیاء مرتضوی، قم، انتشارات میثم تمار، چاپ اول، 1385.
- 10-شفیعی سروستانی، اسماعیل، جاهلیت مدرن در رویارویی با امام زمان (عج)، تهران، انتشارات موعود (عج)، چاپ دوم، 1389.
- 11-طاهری نیا، احمد، حضور زن در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی از نگاه آیات و روایات، قم، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، 1389.
- 12-عاملی، جعفر مرتضی، سیره صحیح پیامبر اعظم (ص)، قم، انتشارات نور مطاف، چاپ اول، 1386.
- 13-علم الهدی، محمد باقر، خورشید اسلام چگونه درخشید، تهران، انتشارات میقات، چاپ اول، 1379.

- 14-فاضلی بیارجمندی، سید احمد، نقش زنان شیعه در عصر امام علی (ع)، قم، انتشارات میثم تمار، چاپ اول، 1381.
- 15-فتاحی زاده، فتحیه، زن در تاریخ اندیشه اسلامی، قم، موسسه بوستان کتاب، چاپ سوم، 1387.
- 16-قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1381.
- 17-قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشرق، چاپ هفتم، 1400ق.
- 18-گودرزی، احمد، شکفتن گل سرخ، بی جا، انتشارات سلسبیل، چاپ اول، 1385.
- 19-محقق، محمد باقر، حقوق مدنی زوجین، تهران، دفتر مرکزی میدان انقلاب، چاپ سوم، 1360.
- 20-مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم، 1373.
- 21-نوری همدانی، حسین، جایگاه بانوان در اسلام، قم، انتشارات مهدی موعود (عج)، چاپ سوم، 1384.
- 22-یزدانی، عباس، جندقی، بهروز، فمینیسم و دانش های فمینیستی، قم، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ اول، 1382.

کتب عربی

- 1-طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان عن تاویل القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1412ق.
- 2-ری شهری، محمد، العقل و الجهل، فی الكتاب و السنه، بیروت، نشر دار الحدیث، 1379.

مقالات پژوهشی

- 1-حسینی، ابراهیم، فمینیسم علیه زنان فصلنامه انتقادی، فلسفی، فرهنگی، شماره 17، حسن رحیم پور، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، 1379.
- 2-رفیعی طاری، ربابه، تاملی بر جایگاه زن، کمیته علمی کنگره، کمیته تبلیغات و انتشارات ستاد، نشر عروج، 1379.
- 3-عابدی، اقدس، جلوه گری زن در جاهلیت اولی و جاهلیت اخری، تهران، مرکز مدیریت حوزه های علمیه حضرت عبد العظیم حسنی، پایان نامه سطح سه، 1382.

مقاله چهارم

راهکارهای درمان لجبازی کودکان

معصومه محسنی منفرد

مدرسه علمیه امام خمینی (ره)

آشتیان

چکیده:

لجبازی یکی از رفتارهای ناسازگارانه است که کودک روی عقیده و نظر خویش پافشاری کرده و با بزرگتر خود مخالفت می ورزد. گاهی اوقات عدم توجه به صحبت های بزرگتر به معنای لجبازی نیست، و نگرانی در قبال آن معنایی ندارد. در این مقاله راهکارهای درمان لجبازی کودکان مورد بررسی قرار گرفته است و بدین منظور در ابتدا به مباحثی همچون علل لجبازی کودکان، ویژگی های کودکان لجباز، و سن لجبازی کودکان پرداخته شده است. لجبازی کودکان علت های مختلفی دارد از جمله: الگو برداری، بی توجهی والدین، عوامل محیطی و بیرونی، معاشرت های ناروا، نیازهای عاطفی وضعیت جسمی و روانی کودک، روش تربیتی نادرست، پیدایش لجاجت در افراط توهین و ملامت کودک لجباز می خواهد حرف خود را به کرسی بنشانند و به خاطر همین از راه های مختلفی مثل گریه کردن خواهش کردن و غیره وارد می شود بسیاری از والدین گمان می کنند که لجبازی کودکان درمان پذیر نیست در حالی که این گونه نیست و راهکارهای متعددی در این زمینه ارائه شده است مانند: پرهیز از تهدید کردن کودک، مقابله به مثل کودک، انتخاب زمان مناسب برای درخواست خود از کودک، طرح خواسته های خود به صورت رو در رو، مصمم و جدی بودن، در خواسته هاتوسط والدین، عدم دستور پی در پی به کودکان عدم دخالت در امور کودکان در مقابل راهنمایی کردن آنها، برقراری آرامش و امنیت در خانواده. یافته های تحقیق حاضر نشان می دهد که والدین مهمترین نقش را در لجبازی کودکان دارند. و گرد آوری این مقاله به روش کتابخانه ای و روش بیان مطالب تحلیلی و توصیفی است.

کلید واژه: راهکار، درمان، لجبازی، کودکان، والدین

خود سرزنش می کنند. چون روحیه حساس و زودرنج دارند. در این موارد مدیریت رفتار فرزندان بسیار دشوار شده و والدین جهت کنترل این رفتارها عاجز و درمانده می شوند و به ناچار روش هایی را به کار می گیرند که نه تنها مشکل را کاهش نداده بلکه موجب افزایش و شدت گرفتن آن می شود، بنابراین ضروری است که والدین بدانند چه راهکارهایی برای درمان لجبازی کودکان وجود دارد؟ و با چه روش های موثر و کاربردی می توانند با این موقعیت ها مواجه شوند؟ والدین باید بدانند که کودک در یک شب نافرمان نشده بلکه بتدریج این ویژگی در او شکل گرفته و متأسفانه در چند سال اخیر این رفتار در کودکان افزایش یافته و در کودکان پسر بیشتر دیده می شود و این آمار در کشورهای غربی بیشتر است¹.

هدف مادر این مقاله پاسخ به این سوال می باشد که چه راهکارهایی برای درمان لجبازی کودکان وجود دارد؟

لجبازی کودکان

لجبازی یکی از رفتارهای ناسازگارانه است که کودک روی عقیده و نظر خویش پافشاری کرده و با بزرگتر خود به مخالفت می ورزد².

یکی از مشکلاتی که والدین در ارتباط با تربیت فرزندان خود با آن مواجه هستند نحوه ی مدیریت بدرفتاری، پرخاشگری، لجبازی و نافرمانی آنهاست. این مشکلات در مراحل از رشد کودکان و نوجوانان به طور طبیعی مطرح است در این موارد اگر والدین چگونگی برخورد صحیح با آنها را بدانند مشکلات کاهش پیدا می کند در غیر این صورت شاهد بدرفتاری شدید تر فرزندان خود خواهند بود. مقالات و کتاب هایی در مورد لجبازی کودکان نوشته شده از جمله کتاب کودک من نوشته دنیا برزویی و آقای مهدی تهرانی دوست هم در مورد درمان و علل لجبازی کودکان نوشته است و همچنین حجت الاسلام و المسلمین محمدی ری شهری کتاب حکمت نامه کودک را نوشته اند که در آن اشاره هایی هم به لجبازی کودکان شده است.

در این مقاله به دنبال ارائه راهکارهای درمان لجبازی کودکان هستیم. که در زمانی که کودکان لجباز هستند به طور فعال از انجام خواسته ها و رعایت قواعد بزرگسالان سرپیچی میکنند، با آنها وارد بحث و مشاجره می شوند. به طور عمد موجبات ناراحتی دیگران را فراهم آورد، اغلب فحش می دهند و دیگران را برای اشتباهات و بدرفتاری های

¹-بوريا، ميشله، جامع تربیت کودک 2 ص 221

²-تهرانی دوست، مهدی، کودک لجبازی ص 11

کودکان در سنین 3 تا 5 سالگی شروع به تضاد ورزی با اطرافیان و محیط می کنند. این مرحله از شخصیت با وجود تمام تضادها و وقفه ها برای رشد به هنجار کودک طبیعی می باشد کودک در این سنین نسبت به محیط خود شناخت و آگاهی به دست می آورد و متوجه می شود که رفتارش روی دیگران تاثیر می گذارد و برای کشف بیشتر محیط دست به رفتارهایی می زند که به هیچ وجه به درست و غلط بودن آن نگاه نمی کند و صرفا به تاثیری که در محیط می گذارد و متقابلا تاثیری که می پذیرد می اندیشد. بنابراین کودک در این سن شروع به «نه» گفتن می کند و می خواهد از این طریق خود را به دیگران ثابت کند در این میان والدین دچار نگرانی می شوند و نمی دانند با کودک خود چه رفتار مناسبی داشته باشند؛ اما اگر این مرحله از رشد را طبیعی بنگریم هم از نگرانی والدین کاسته می شود و هم شیوه های ارتباطی مناسب با کودک خود را بهتر فرا می گیرد، چون تصویری که والدین از رشد کودک دارند تاثیر قابل ملاحظه ای بر چگونگی فرایند رشد دارد. لجبازی نوعی رفتار مقابله ای است که معمولا والدین در مواجهه با آن رفتارهای مختلفی نشان می دهد و والدین باید از ایجاد رفتارهایی که منجر به لجبازی در کودکان می شود تا حد ممکن اجتناب کنند اگر لجبازی کودک شدید باشد باید به رفتارهای

خودمان و اطرافیان توجه کنیم و علت آن را در نحوه برخوردمان به عنوان والد و تنبیه ها و تشویق ها جستجو کنیم. یادمان نرود که باید از هر کسی چیزی را توقع داشت که بتواند از عهده انجامش برآید. اصولا کودکان میانه خوبی با درخواست های سلبی ندارند. پس نکن، جیغ نزن و ... معمولا جواب نمی دهد، بنابراین در ابتدا باید دقت کنیم که ریشه آن حرکت ناخوشایندی که کودک انجام می دهد چیست؟^{۲۱}

ویژگی های کودک لجباز

لجبازی یا مخالفت کردن در کودکان یک پدیده رفتاری است که طی آن کودک از پذیرفتن و قبول کردن نظر و درخواست والدین یا بزرگتر خود سرباز می زند و برخاست و ایده خود اصرار می ورزد. به طور کلی لجبازی کردن کودکان یعنی نپذیرفتن و امتناع کردن از درخواست و نظر پدر و مادر، مربی و ...

این رفتار از سن یک تا 3 سالگی در کودک دیده می شود که باشیوه های مختلف (گریه کردن، خواهش کردن و ...) می خواهد به هدفش دست یابد. کودک به دنبال آن چیزی می رود که توجه خود به آن جلب شده نه به دنبال خواسته و مطلوب دیگران که اصلا برای کودک قابل درک نیست. اما

از سوی دیگر پدر، مادر، یا بزرگتر انتظار دارد بچه از خواسته های او تبعیت و آنها را اجرا کند. در نتیجه بزرگتر در این حالت سعی می کند تا با دستور دادن و امر و نهی کردن به کودک، خواسته های خود را عملی و او را ملزم به اجرای آنها کند و درست در همین جاست که میان خواسته های کودک با والدین تعارض شکل می گیرد و همین امر می تواند زمینه ساز بروز تضاد و همچنین درگیری های کلامی و حتی شاید برخوردهای فیزیکی از سوی بزرگترها با بچه لجباز شود. لجبازی در میان هر دو جنس دیده می شود، اما شیوع این قبیل مشکلات رفتاری در میان پسران بیشتر از دختران می باشد برخی کودکان خصایص متفاوت تری دارند و به طور طبیعی کمی سرسخت ترند و همین امر سبب می شود تا رفتارها و کنش های سرسختانه تری را از خود بروز دهند و به راحتی به پذیرش خواسته و نظر بزرگتری خود تن ندهند بر همین اساس اغلب مشکل ساز هستند و باعث می شوند والدین نیز کنترل خود را از دست بدهند و به پرخاشگری کلامی یا تنبیه بدنی آنها روی آورند. این گونه کودکان را لجباز می نامند کودکان لجباز بیشتر تمایل دارند تا ابتدا خواسته خود را اجرا کنند و در مرحله

بعدی است که حاضر به قبول خواسته و نظر بزرگترهای خود می شوند¹.

من نمی آیم، شما نمی توانید من را مجبور کنید، من نمی خواهم این کار را انجام دهم این ها جملاتی است که کودکان لجباز به زبان می آورند.² کودکان لجباز با پدر و مادرشان مخالفت می کنند با آنان یکی به دو می کنند. در برابر هر خواستن جر و بحث می کنند و بالاخره پاسخ منفی می دهند و اصرار دارند که کارها به شکلی که آنان دوست دارند انجام شود نه روش شما، حتی گاهی ممکن است به خشونت روی آورند، اعتراض کردن معمولاً بخشی از تلاش های کودکان برای شکل دادن به هویتی مستقل از پدر و مادر است و به آنان این احساس را می دهد که می توانند، محیط را هم رنگ خواسته های خود گردانند اگر کودک کلاً به صحبت های شما بی اعتنایی کرد، نگرانی جا دارد، ولی مخالفت های جزئی یک روند طبیعی در مسیر زندگی است.³

کودکان لجباز دوست دارند، کارها همان طور که خودشان می گویند اتفاق افتد، آنها معمولاً کودکان خود محور گستاخ و تندخو هستند و رفتارهای آنان غالباً توهین آمیز و توأم با

¹-امینی، ابراهیم، آئین تربین، ص 26

²-بوریاء، میشله، جامع تربیت کودک(2) ص 215

³-ماناسیس، کارتارینا، کلید های مقابله با اضطراب در کودکان و نوجوانان، مترجم فرناز فرود، ص 58

بی ادبی است که معمولا این کودکان بیش فعال نیز هستند¹.

طبق مطالعاتی که روانشناسان انجام دادند اختلافات زناشویی می تواند منجر به عقب نشینی اجتماعی و حتی پرخاشگری در کودکان شود².

سن لجبازی کودکان

لجبازی جز عوامل طبیعی رشد کودک است و کودک از 2 تا 3 سالگی لجبازی را شروع می کند یا بهتر است بگوییم که کشف می کند در این دوره کودک به کشف خود نائل شده است و در 4 سالگی به اوج می رسد و او در حال مقاومت در برابر خواسته های پدر و مادر و پافشاری برای انجام بسیاری از کارها است. او توسط خودش درصدد اثبات خویشتن و احساس توانایی است ولی به درجه ای از خود آگاهی و شناخت محیط و اطرافیان می رسد که می فهمد رفتارش روی دیگران تاثیر می گذارد و واکنش ها را بر می انگیزد³ از این رو در برخی امور و هنگامی که از وی کاری خواسته می شود لجبازی را به کار می گیرد تا واکنش ها را مشاهده کند و روی خواسته اش پافشاری می کند تا هم به خواسته اش برسد و هم کنجکاوی اش ارضا شود⁴.

علل لجبازی

علل لجبازی در کودکان بسیار گسترده و پدیده است. از نظریه بیولوژیکی اختلال در عملکرد غدد و اعصاب ممکن است یکی از عوامل لجبازی در کودکان باشد، و بیشتر لجبازی ها ناشی از سبک رفتار والدین است و کودک بدون آن که درباره لجبازی قضاوتی داشته باشد یا آن را خوب یا بد بداند تنها لجبازی را به عنوان وسیله ای برای محک زدن واکنش دیگران به کار می گیرد. ولی به طور کلی لجبازی می تواند علت هایی داشته باشد⁵:

1- الگو برداری:

لجبازی نیز مانند تمام دیگر رفتارها می تواند نشأت گرفته از مشاهده و الگو پذیری کودک از پدر و مادر و همسالان خود باشد. به خصوص رفتارهای والدین با یکدیگر می تواند تأثیر مستقیمی در یادگیری رفتار و لجبازی در کودک داشته باشد بنابراین در گام اول نیاز است که پدر و مادر حتی قبل از تولد کودک در این باره به توافق رسیده و این رفتار را کنترل نمایند. در رابطه با همسالان نیز والدین باید دقت کنند که کودک خود را از محیط هایی که در معرض مشاهده اینگونه رفتارها با فراوانی زیاد قرار دارد دور نگه

⁴ - بنیان فر، فاطمه، لجبازی کودکان ص 9

⁵ - قائمی، علی، خانواده و تربیت کودک ص 125

¹ - بویا، میشله، کتاب جامع تربیت کودک 2، ص 221

² - نوایی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و نابهنجار ص 33

³ - اینترنت، سایت نی نی بان، کودک روانشناسی کودک

3- عوامل محیطی و بیرونی

مهمترین و موثرترین عامل محیطی ای که سبب می شود برخی از کودکان لجبازی کنند نحوه برخورد والدین است. یکی دیگر از عوامل محیطی که می تواند سبب بروز لجبازی و مخالفت جویی در کودک شود، بهره گیری از تنبیه به جای تهدید است شاید در ابتدا استفاده از چنین شیوه ای پاسخ مناسب و مورد انتظار والدین را در پی داشته باشد، اما با تکرار این قضیه و عملی نشدن تنبیه ها، کودک می فهمد که این اظهارات والدین تنها یک تهدید بی اساس است و در پس آن، برخلاف ادعای پدر و مادر، عاقبت بدی وجود ندارد و او هرگز از امکانات و موقعیت های مطلوبش محروم نخواهد شد. او خیلی زود متوجه می شود که معمولا بیان چنین تهدید هایی تنها حاصل عصبانیت لحظه ای پدر یا مادر است و بعد از آن که عصبانیت آنها رفع شد، از تهدید و تنبیه نیز خبری نخواهد بود.³

4- معاشرت های ناروا:

یکی دیگر از عوامل تشدید لجبازی در کودک، دوستان نامناسب و محیط های اجتماع است که وی در آن ها قرار گرفته است؛ لذا به خوبی مشاهده می کنید که عوامل کودک

دارند چرا که خواه و ناخواه کودک با مشاهده این رفتار از همسالان خود آن را تقلید می کند و یادگیری غیر مستقیم در وی شکل می گیرد و همچنین کارتون ها و فیلم هایی که کودک مشاهده می کنند باید توسط والدین کنترل شود تا رفتارهای ناشایست از جمله لجبازی را در کودک تقویت نکند.¹

2- بی توجهی والدین:

بی توجهی و عدم توجه به کودک، یکی از علل برای لجبازی در کودک به شمار می آید. این بی توجهی خود دارای دلایل گوناگون می باشد که از جمله آنها گرفتاری و کثرت اشتغال والدین و سرگرمی آنها به رسیدگی به فرزندان دیگر و عدم امکان توجه به تک تک فرزندان، خوشگذرانی و عدم وقت گذاری ها درباره آنها².

وقتی در سیره و رفتار پیشوایان دینی خود می نگریم به زیبایی محبت و توجه به کودکان را در کردار و رفتار آنان مشاهده می کنیم چنانچه آمده است که جابر می گوید: به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شد شرفیاب شدم، در حالی که حسن و حسین را پشت خویش سوار کرده بود و می فرمود: شتر شما مرکب خوبی است و شما دو نفر سواران خوبی هستید³.

³ -مجلسی، محمدباقر، بهارالانوار، مترجم، موسوی همدانی، ص 251

⁴ -تهرانی دوست، مهدی، کودک لجباز، ص 35

¹ -قائمی، علی، خانواده و تربیت کودک، ص 127

² - همان ، خانواده و دشواری های رفتاری کودکان، ص 124

بر یکدیگر به سرعت اثر می‌گذارد، خنده، گریه، لجبازی و عادت‌های رفتاری دیگر که بعضی مثبت و بعضی منفی است، زیرا این دوره سن الگو گرفتن است و الگوی مناسب می‌تواند کودکان را به بهترین شکل راهنمایی کند. لذا والدین محترم با شناسایی دقیق محیط اجتماعی کودک، حتی اگر لازم است مدرسه یا سرویس او را تغییر دهند.

5- نیازهای عاطفی

یکی دیگر از مسائلی که در لجبازی کودکان نقش به‌سزایی دارد نیاز کودک است. گاهی اوقات دلیل لجبازی در کودک شما، چیزی جز خستگی و نیاز به استراحت یا تفریح نیست. گاهی لجبازی به خاطر رفع گرسنگی و یا نیازهای دیگر است البته این مورد بیشتر در کودکان خردسال صورت می‌گیرد به شکلی که آنها نیازهای خود را به شکل بهانه، اعلام می‌کنند گاهی اوقات کودک نیاز به محبت و دوست داشتن قلبی از سوی والدین دارد. کودک از شما پول نمی‌خواهد بلکه محبت و ابراز نمودن محبت و سرگرمی و بازی می‌خواهد!

امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «حضرت موسی (علیه السلام) از خداوند پرسید: خدایا برترین اعمال

نزد تو کدام است؟ خداوند فرمود: دوست داشتن کودکان، زیرا من آنها را بر فطرت توحید خود آفریدم و اگر آنها را بمیرانم، همه آنها را به رحمت خود به بهشت داخل می‌کنم.»^۲

6- وضعیت جسمی و روانی کودک

از دیگر عوامل موثر در بروز بد رفتاری کودکان، وضعیت جسمی و روانی آنهاست که احتمال بروز رفتارهای نامطلوب را افزایش می‌دهد عواملی مانند: «خستگی، بی‌خوابی یا بد خوابی و برخی اختلالات روان پزشکی نظیر اضطراب، افسردگی و ... از جمله مواردی است که امکان بد رفتاری در کودکان را افزایش می‌دهد. حتی ممکن است به دلیل گرسنگی کمی لجباز تر از سایر مواقع باشد. در این مواقع بهتر است پدر و مادر با در نظر گرفتن این عوامل، درخواست‌های کمتری از کودک داشته باشد و اجرای آنها را به زمان مناسب‌تری موکول کنند»^۳.

7- روش تربیتی نادرست

در مواردی روش تربیتی پدر و مادر به گونه‌ای است که فرزندان خود را افرادی پر مدعا، سلطه‌جو آزرده، رنج‌آفرین بار می‌آورند. مهر و محبتشان درباره فرزندان به گونه‌ای

³ - - تهرانی دوست، مهدی، کودک لجباز ص 39

¹ - محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه کودک، ص 243

² - همان

است که بچه ها این احساس را دارند که پدر و مادر کلفت و نوکر آنهایند و هر چه را که بخواهند و طلب کنند باید برآورده کنند. بدیهی است چنین کودکانی، هنگامی که با منع هایی مواجه گردند با تمام قدرت در برابر آنها میایستند و تلاش می کنند به خواسته خود دست یابند حتی اگر از راه لجبازی و به ستوه آوردن و والدین خود باشد.¹

8- پیدایش لجبازی در افراط توهین و ملامت:

موثر بودن افراط توهین و ملامت در لجبازی کودکان فقط اختصاص به کودکان ندارد ولی از آنجا که کودکان نسبت به کارهایشان بیشتر در معرض مواخذه از سوی بزرگتر ها قرار می گیرند، نمود بیشتری دارد. امیرالمومنین (علیه السلام) می فرماید: «افراط و تفریط در ملامت کردن و سرزنش نمودن، آتش لجبازی را شعله ور می کند.»²

توجه به این نکته ضروری است که گاهی زمینه لجبازی کودک توسط خود والدین فراهم می شود و در واقع منشا لجبازی کودک، خودشان هستند ولی توجهی به این مسئله ندارند. مثلا گاهی به کودک قول می دهند که اگر فلان کار را خوب انجام دهی فلان جایزه را برایت می خرم ولی

متاسفانه بعد از انجام کار توسط کودک به قول خود عمل نمی کنند و موجبات خشم و لجبازی کودک را فراهم می کنند. از نظر روایات این مسأله نیز نهی شده: «هر گاه به کودکتان وعده ای می دهید عمل نمایید چرا که آنان شما را رازق خود می دانند.» و گاهی نیز والدین به کودک می آموزند که اگر کودک لجبازی کند و درخواستی هایش پافشاری کند، به هدفش می رسد و والدین کوتاه خواهد آمد بنابراین یک سری از لجبازی های کودک آموخته شده است و گاهی اوقات باز خود والدین هستند که در مقابل خواسته های کودک خود لجبازی می کنند و همین لجبازی طرف مقابل را شدید تر می کند در خاطره ای از یک دختر بچه نقل شده است که: از کودکی خودم به یاد دارم که یک روز مهمان داشتیم و من در اثر لجبازی کتک جانانه ای در حضور آنها خوردم از مهمانها خجالت کشیدم و شروع کردم به جیغ و داد کردن مادرم مرتب می گفت خفه شو، عیب است که صدای دختر دربیاید و ... در آخر مادرم به عقیده خودش بهترین تصمیم را گرفت و لباس عروسک هایم را که خودم دوخته بودم و از جان بیشتر دوست داشتم آورد و در پیش چشم من آنها را آتش زد گویا تمام امیدم قطع شد³.

³ - ابراهیم امینی، آئین تربیت، چاپ اول ص 195

¹ - تهرانی دوست، مهدی، کودک لجباز، ص 39.

² - محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج دهم ص 18

این مادر نه تنها به تربیت کودکش کمکی نکرده بلکه باعث عقده ای در قلب کودکش می شود که شاید تا آخر عمرش فراموش نکند. امیرالمومنین (علیه السلام) می فرماید: «لجابت باعث جنگ و دشمنی است.»¹

راهکارهای درمان لجبازی در کودکان:

تا اینجا در مورد لجبازی و علل لجبازی گفته شد در این قسمت به راهکارهای درمان لجبازی در کودکان می پردازیم والدین وقتی با این رفتار در کودکان مواجه می شوند آن را مشکل حادی می بینند که قابل درمان نیست و آنها انتظار دارند که یک روزه کودکان این رفتار را ترک کنند و کنار بگذارند. والدین باید بدانند که لجبازی کودکان یک روزه شکل نمی گیرد و یک روزه هم برطرف نمی شود. لجبازی کودک به مرور به یک عادت و خصلت رفتاری تبدیل می شود و رفع آن نیاز به زمان و توجه دارد.² برای درمان لجبازی کودک باید چند چیز را مدنظر قرار داد:

1- عدم تهدید کودکان:

تهدید یک نوع تحریک است؛ زیرا شما در لفافه اعتراف می کنید که ممکن است اطاعت نکند مانند این تهدید: «اگر با دوچرخه ات به خیابان بروی دوچرخه ات را خواهم گرفت.»

در صورتی که کودک از روی تجربه بداند آنچه مادرش دستور می دهد جدی است در زمانی که مادر خیلی محکم و بدون تزلزل دستور می دهد، کودک بیشتر تحت تاثیر قرار می گیرد و حرف شنوی بیشتری خواهد داشت تا مواقعی که او را تهدید کنید و اگر تشخیص می دهید که ممکن است مجبور شوید جریمه سنگینی مانند گرفتن دوچرخه اش به مدت چند روز را اجرا کنید بهتر است ابتدا اختطار دهید.³

2- مقابله به مثل با کودک

اگر کودکان برای داشتن چیزی اصرار می ورزید که در حال حاضر امکان پذیر نبود و یا قادر به فراهم کردن آن نبودید همان موقعیت را برای کودک شبیه سازی کنید؛ برای مثال اگر فرزندان خوراکی مورد علاقه اش را خواست و در دسترس نبود، به او بگویید: «درک می کنم چقدر بستنی دوست داری ولی فعلا نداریم من هم الان خیلی هوس شکلات کردم و می خواهم، به نظرت چکار کنیم؟» به همان میزان که کودک برای خواسته اش اصرار کرد شما هم به همان میزان به خواسته خود پافشاری کنید. بدین گونه کودک در می یابد کسی هم مانند خودش در این شرایط

¹ - محمدی ری شهری ، محمد، میزان الحکمه جلد دهم ص 127

² -بوریاء، میشله، کتاب جامع تربیت کودک 2، ص 224

³ -برزویی، دنیا، کودک من ص 11

قرار دارد و او هم مثل مادرش نمی تواند در این لحظه به خواسته اش برسد^۱.

3- انتخاب زمان مناسب برای ارائه درخواست والدین:

گاهی والدین زمان مناسبی را برای بیان دستورات خود انتخاب نمی کنند. به عنوان مثال گاهی والدین هنگامی که کودکشان در حال تماشای برنامه یا سرگرم بازی مورد علاقه اش است به او می گویند: «برو تکالیف را انجام بده» یا «زود آماده شو چون می خواهیم به خرید برویم...» و چون کودک در این مواقع حاضر نیست تا فیلم یا بازی را رها کند، دست به مخالفت جویی می زند و سعی می کند تا از پذیرفتن درخواست والدین امتناع کند. در نهایت همین امر باعث افزایش زمینه بدرفتاری در کودک و ایجاد کشمکش با پدر و مادر خواهد شد^۲.

4- طرح خواسته والدین به صورت رو در رو:

والدین نباید درخواستها و دستورات خود را از راه دور و بدون برقراری تماس چهره به چهره بیان کنند. هنگامی که خواسته رو در رو بیان نشود، تاثیر خود را از دست خواهد داد، زیرا بهره گیری از چنین شیوه ی بیانی ای سبب می شود بچه ها تصور کنند که مادر و پدر برخاسته خود اصرار

زیادی ندارند و اگر هم آن را انجام ندهند کسی از آنها ناراحت یا عصبانی نخواهد شد. همین طرز تلقی از سوی کودک موجب می شود که او از دستورات والدینش سرپیچی کند و اگر مشغول بازی یا سرگرم تماشای کارتون است، فرصت را از دست ندهد و از درخواست های پدر و مادر امتناع کند.

برای مثال مادری که از میان آشپزخانه، بی آنکه کودک را ببیند و با او تماس چشمی داشته باشد با صدای بلند از بچه می خواهد که «برو تکالیف را انجام بده» تنها پاسخی که اغلب دریافت می کنند یک «باشه» ی ساده و نامطمئن از سوی کودک است. و چون کودک در اینجا اهمیت و لزوم اجرای دستور را درک نمی کند، ممکن است که اصلا به سراغ آن کار نرود و آن را به تعویق بیندازد^۳.

5- مصمم و جدی بو دن والدین درخواست های خود:

والدین باید در بیان دستورات و درخواست های خود جدی و مصمم باشند و هرگز عباراتی استفاده نکنند که در آن حق انتخاب نهفته است، به طوری که کودک احساس کند این موضوع چندان اهمیتی ندارد و انجام دادن یا ندادن آن خیلی هم مهم نیست، و فقط در صورت تمایل است که باید

^۱- همان ص 12

^۲- تهرانی دوست، مهدی، کودک لجباز، ص 42

^۳- همان، ص 46

آن را انجام دهد و در نتیجه چون لازم است که هر کودکی ساعت خواب منظمی داشته باشد. و قبل از خواب مسواک بزند، ضروری است تا کودک کاملا از قوانین آگاه باشد و خود را در برابر آنها موظف بداند. برای نمونه نباید برای درخواست رعایت ساعت خواب به کودک گفت: «می خواهی ساعت 9 شب بخوابی؟» در این حالت به احتمال زیاد جواب کودک «نه» خواهد بود، چون تصور می کند که این امر دل خواهی است و والدین در آن جدی نیستند در چنین مواردی انجام ندادن خواسته والدین به منظور مخالفت جویی و لجبازی کردن کودک با آنها نیست. بلکه فقط نوع گفتار بزرگترهاست که سبب می شود او موضوع را دل خواهی قلمداد کند و در نتیجه از آن سر باز بزند.

حال اگر پدر و مادر برای امور جزئی و ساده قوانین وضع کند بدون شک فرزندشان را خسته می کنند و زمینه بروز مخالفت جویی و لجبازی را در او فراهم می کنند و در نتیجه وضع قوانین سخت گیرانه، الگوی رفتاری مناسب نیست و حتما باعث زمینه ساز مشکلات و در نهایت بد رفتاری در کودکان خواهد شد.¹

6-عدم دستور پی در پی والدین به کودکان

همان قدر که یادگیری معنای نظم و قانون و رعایت آن برای کودکان ضروری است، پرهیز از سخت گیری بیش از اندازه نیز با اهمیت است. والدین چنان در دادن دستورات خود افراط می کنند که داشتن هر گونه آزادی عمل را از کودک سلب می کند و سعی می کند با اعمال یک برنامه اجرایی خشک و سخت گیرانه، همه ی رفتارهای کودک را لحظه به لحظه مدیریت و کنترل کنند.

در حالی که این برنامه فشرده و باید و نباید ها دارد آزادی عمل کودک را از بین می برد و ممکن است هر کودکی تنها قادر به انجام دو یا سه دستور باشد و پس از اجرای همان دو یا سه مورد اولیه دیگر حوصله انجام ساده ترین کارها را نداشته باشد و حتی از عهده ی کارهایی که قبلا اجرای آنها نیاز به دستور نداشت بر نمی آید بنابراین اگر کودک در مواجهه با دستورات متعدد چند مورد را انجام دهد والدین نگران نباشند و این رفتار کودک را دلیل بر آشفتگی و لجبازی کودک نگذارند.²

7-عدم دخالت والدین در مقابل راهنمایی آنها:

هیچ کس از دخالت کردن دیگران در امور زندگی خود احساس رضایت و خوشنودی نمی کند. پدر و مادر از همان شروع تربیت باید حرکت صعودی خود را برپایه ی راهنمایی

¹ - تهرانی دوست، مهدی، کودک لجباز، ص 46-47

² - تهرانی دوست، مهدی، کودک لجباز ص 47

قرار دهند تا کودک بتواند کم کم راه صحیح زیستن را تشخیص دهد. دیگر قابل پذیرش نیست که: من می گویم این طور باش من می گویم این جا نرو و بلکه ارشاد و راهنمایی خردمندانه و کمک گرفتن از خود کودک در مشکلات می تواند کمک بزرگی باشد^۱.

8- برقراری آرامش و امنیت در خانواده:

به هر حال در هر خانواده مسائل و مشکلاتی به وجود می آید که منجر به بحث و گفت و گو می شود والدین باید بدانند که تمام مسائل گره هایی هستند که به وسیله دست باز می شوند یعنی به جای بحث و متهم کردن دیگران، آرام و بدون برهم زدن امنیت خانواده به خصوص مشکلات و مسایل را می توان به راحتی حل کرد به طوری که هم خود و هم دیگران از نوع گفت و گوها لذت ببرند^۲.

و در پایان به برخی رفتارهایی که باعث کاهش لجبازی در کودک می شود اشاره می گردد:

-قبول داشتن او

-گوش دادن به حرفهای کودک

-توجه کردن به کودک

-رابطه عاطفی مطلوب و مثبت بین والدین و کودک

-نشان دادن عواطف مثلاً بوسیدن، بغل کردن، نوازش کردن، نگاه محبت آمیز

-گذراندن وقت با کودک مثل بازی کردن با کودک و تماشای تلویزیون همراه او^۳

نتیجه گیری

براساس آنچه گذشت در این نوشتار به بیان علل و راهکارهای درمانی لجبازی در کودکان پرداخته شده لجبازی عبارت است از این که یکی از رفتارهایی ناسازگارانه است که کودک روی عقیده و نظر خویش پافشاری کرده و با بزرگتر خود مخالفت می ورزد. از آنجایی که اگر لجبازی کودکان درمان نشود و ادامه پیدا کند ممکن است در بزرگسالی به بیماری روحی و روانی یا اخلاق های ناپسند تبدیل شود. یافتن راه حل درمان این مسئله در کودکی و پرداختن به آن از اهمیت به سزایی برخوردار است لذا تحقیق در این موضوع ضروری به نظر می رسد. بسیاری از والدین گمان می کنند که لجبازی کودکان درمان ندارد و از لجبازی کودکان به ستوه می آیند و هر چه کودک می گوید انجام می دهند و از این رو دچار سردرگمی می شوند

³ -تهرانی دوست، مهدی، کودک لجباز، ص 50

¹ -قائمی، علی، خانواده و تربین کودک ص 56

² - قائمی، علی، خانواده و تربین کودک ص 56

و چون نمی دانند که در مقابل لجبازی کودکان چه رفتاری بکنند خودشان هم به طور ناخواسته با کودکان لجبازی می کنند.

اما بسیاری از والدین به عقیده خودشان برای اینکه کودک تربیت شود و ادبش کند با او لجبازی می کنند تا مثلاً کودک به رفتار زشت خودش پی ببرد و از این لجبازی دست بردارد ولی نمی دانند که این رفتار باعث لجبازی بیشتر کودک می شود و این والدین نمی دانند که برای درمان لجبازی کودکان باید راهکارهایی را به کار برد تا کودک از لجبازی دست بردارد نه اینکه با او لجبازی کند.

با توجه به مطالعات انجام شده لجبازی کودکان مربوط به سنین خاصی است که بیشتر ریشه در برخورد والدین دارد و قابل درمان است.

راهکار های درمان این مسئله براساس سادگی یا پیاده سازی روش و امکان حصول نتیجه مناسب به شرح ذیل است:

1- برقراری آرامش و امنیت در خانواده

2- پرهیز از تهدید کودکان

3- عدم دستور پی در پی به کودکان

4- مقابله به مثل با کودک

5- عدم دخالت در امور کودکان در مقابل راهنمایی آنها

6- انتخاب زمان مناسب برای درخواست خود از کودک

7- مصمم و جدی بودن درخواستها توسط والدین

8- طرح خواسته های خود به صورت رو در رو

از آنچه که گذشت به دست می آید که بزرگترها و والدین نقش به سزایی در لجبازی کودکان دارند و والدین باید در تربیت کودک خود اطلاعات کافی داشته باشند تا کودک بهانه گیر و لجباز نشود چون والدین هستند که کودک را لجباز می کنند، پس چه خوب است که با شناخت دقیق دلیل لجبازی در کودک، در جهت بهبودی او بکوشیم و بهتر است که از همین الان شروع کنیم و شاید فردا دیر شود.

- 1-امینی، ابراهیم،ائین تربیت ، بی جا، اسلامی، چاپ پانزدهم، 1375
- 2-اینترنت ، سایت نی نی بان، روانشناسی کودک
- 3-برزویی ، دنیا، کودک من، مشهد، متخصصات ، چاپ اول، 1397
- 4-بوریا، میشله، کتاب جامع تربیت کودک 2، مترجم: محمد بهشتیان، بی جا، بهشتیان، چاپ اول 1389
- 5-بنیان فر،فاطمه، لجبازی کودکان، بی جا، دانژه، بی جا 1394
- 6-تهرانی دوست، مهدی، کودک لجباز، بی جا، قطره، بی جا، 1395
- 7-قائمی، علی، خانواده و تربیت کودک، بی جا، امیری، چاپ هفتم، 1368
- 8-----خانواده، و دشواری های رفتاری کودکان، بی جا، موسسه انجمن اولیا و مربیان، چاپ هم، 1386
- 9-ماناسیس، کارتارینا، کلید های مقابله با اضطراب در کودکان و نوجوانان، مترجم، فرناز فرود، بی جا، صابرین، بیجا، 1398
- 10-محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه کودک، بی جا، دارالحدیث، بی جا، 1396.
- 11-مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مترجم موسی همدانی، دارالکتب الاسلامیه، بیجا 1403 ق
- 12-----میزان الحکمه ، قم، دارالحدیث، چاپ دهم، 1384
- 13-نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار ، بی جا، انتشارات انجمن اولیا و مربیان ، بی جا، 1393



Electronic journal
Cheshme kosar